

به سوی بیانیه اخلاق حداقلی تجارت در پرتو آموزه‌های اسلام و فقه امامیه

۱- محمد علی خورسندیان، دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

MohammadAli Khorsandian; Associate Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran. (Corresponding Author), Email: mkhorsandian@yahoo.com

۲- فاطمه چیت‌ساز، دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، واحد بین الملل، شیراز، ایران

Fatemeh Chitsaz; PhD Candidate in Private Law, Faculty of Law & Political Sciences, University of Shiraz, International Division, Shiraz, Iran. Email: fachit2009@gmail.com

چکیده

این پژوهش اصول اخلاق حرفه‌ای در حیطه تجارت را بر مبنای اخلاق حداقلی جهانی و با توجه به اصول اخلاقی در اسلام جستجو می‌کند در این زمینه با روش تحلیلی و استقرایی با نگاهی به اصول اخلاقی در رشته‌های دیگر و یافتن نقاط مشترک میان آنها و با توجه به منابع اسلامی مهم‌ترین این اصول را پیشنهاد می‌دهد. گرچه سازمان‌های مختلف به صورت رسمی تعریفی از اصول اخلاقی با نام منشور اخلاقی ارائه داده اند اما مجموعه قواعد و مقررات بین المللی اصولاً به این مهم نپرداخته اند. این پژوهش در نهایت از میان همه ارزش‌های اخلاقی، پنج اصل اساسی: عدالت، درستکاری، احترام متقابل، انصاف و احسان را به عنوان جامع اصول اخلاق حداقلی منطبق با اصول اسلام پیشنهاد نموده و سایر ارزش‌های اخلاقی مانند حسن‌نیت، خوش‌عهدی، اعتماد، سودرسانی و ضرررساندن را ذیل این اصول معرفی می‌کند. همچنین عنوان می‌کند که بهتر است از اصولی مانند توحید، اختیار، مسئولیت، معروف، نیت و ایمان و تقوا در این جایگاه استفاده نشود. کلید واژگان: اخلاق تجاری، اخلاق حداقلی، اخلاق حرفه‌ای، اصول اخلاقی.

Towards a Statement of Minimal Business Ethics in accordance with Islamic Teachings and Imami Jurisprudence

MohammadAli Khorsandian¹ / Fatemeh Chitsaz²

1: Associate Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
(Corresponding Author), Email: mkhorsandian@yahoo.com

2: PhD Student in Private Law, Faculty of Law & Political Sciences, International part of University of Shiraz, Shiraz, Iran.

Abstract

This research explores the principles of professional ethics in the field of business based on universal minimal ethics and with regard to the ethical principles in Islam. In this context, it proposes the most important of these principles using an analytical and inductive method, looking at ethical principles in other disciplines and finding common points between them, and with regard to Islamic sources. Although various organizations have officially provided a definition of ethical principles called a code of ethics, the set of international rules and regulations has not addressed this issue. Among all moral values this research ultimately proposes five basic principles: justice, honesty, mutual respect, fairness, and beneficence as a comprehensive set of minimal moral principles consistent with Islamic principles, and introduces other moral values such as goodwill, keeping promises trust, benefit, and non-harm under these principles. It also states that it is better not to use principles such as monotheism, freedom, responsibility, reputation, intention and faith and piety in this position.

Keywords: Business ethics, ethical principles, minimal ethics, professional ethics

نظریه اخلاق جهانی یا اخلاق حداقلی و یا مشترک نخستین بار توسط هانس کونگ و سپس لئونارد سویدلر در انتهای قرن بیستم مطرح شد و مورد توجه بسیار قرار گرفت. استانداردهای اخلاق جهانی که حاوی ارزش‌های اخلاقی مشترک بشر بود توسط کونگ تدوین شده و در اجلاس‌یه پارلمان ادیان جهانی با شرکت ۶۵۰ تن از اندیشمندان ادیان مختلف در سال ۱۹۹۳ در شیکاگو مورد بحث قرار گرفت و «اعلامیه اخلاق جهانی» انتشار یافت. سپس بیانیه‌ای در سال ۱۹۹۶ با عنوان «در جستجوی استانداردهای اخلاق جهانی» در اجلاس ونکوور به تصویب رسید. سویدلر نیز در بیانیه‌ای که بر اساس قاعده طلایی^۱ ادیان تدوین کرد اصول اخلاق جهانی را برشمرد. او صدق و عدالت را به عنوان دو ارزش نخستین برگزید و کونگ برابری در انسانیت را بدان افزود. (کونگ، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۴۱) این بیانیه‌ها تاکنون مورد بحث فراوان واقع شده و تاییدها و انتقاداتی را برانگیخته است. متفکران، بر امکان و ضرورت تدوین حداقل ضروری ارزش‌های مشترک انسانی و هنجارهای جهانشمول با روش اجماع تاکید کردند. (قراملکی، ۱۳۸۲: ۸۸ و کونگ، ۱۳۸۹: ۱۴۰) آنان نقطه عزیمت را در این راه آموزه‌های ادیان دانستند و گفتمان عقلانی را نیز به این رویکرد افزوده‌اند. کونگ در مقاله خود نخست به والزر^۲ ارجاع می‌دهد که پیشنهادی یهودی دارد و پیوسته برای توضیح ملاحظات خود به تورات ارجاع می‌دهد (کونگ، ۱۳۸۹: ۱۲۲ و ۱۲۳) و خودش و سویدلر نیز الهی‌دانان مسیحی هستند. متفکران تایید کرده‌اند با توجه به آنکه نهاد دین یکی از زیرساخت‌ترین لایه‌های تمدن بشری است هرگونه اخلاق جهانی باید مناسبات خود را با آموزه‌های دین تبیین کند. (قراملکی، ۱۳۸۲: ۸۳) بنابراین روش به

^۱ قاعده طلایی قاعده مشترکی است که به نوعی در مهمترین ادیان بشر تکرار شده و مشترک است این قاعده این مضمون را دارد که با دیگری همان گونه رفتار کن که مایلی با خود رفتار گردد.

^۲ Michael Laban Walzer نظریه پرداز سیاسی آمریکایی است که نظریه اخلاق حداقلی و رقیق را ارائه می‌دهد. (کونگ، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

دست آوردن اخلاق مشترک، مطالعاتی است که از رهگذر دین حاصل می‌گردد. راهی جز این نیست که در هر یک از ادیان و حتی در اندیشه غیر مومنان با استفاده از روش تحلیلی و قیاسی ارزش‌های بنیادین استخراج گردد و سپس با روش استقرا و اجماع، مجموعه کاملی از هنجارهای نخستین را ارائه نمود.

بحث‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای تجارت در کتب فقهی کهن و معاصر در کتاب التجاره یا مکاسب ذیل عنوان آداب تجارت آمده است. و در کتاب اخلاق غزالی و فیض کاشانی پیشینه دارد. اما رویکرد آنان به اخلاق مشترک و حداقلی نیست. در میان نویسندگان مسلمان، تعدادی از محققان اصول اخلاق تجارت اسلامی را بدون رویکرد اخلاق مشترک جهانی از منظر اهل تسنن بر شمرده‌اند که این تحقیق به آنان ارجاع می‌دهد. در این میان نخست نقوی و سپس محققانی همچون، بیکون و بداوی، جمال الدین، حبشی، قدری، عباس، ایوب، موسی، کاظمی، مسعود و وذکور و دیگران هم‌چون ترنبول، لی جی و بودیمان^۱ هستند. این محققان اصول ارزش‌های اخلاقی تجارت اسلامی را بر شمرده‌اند که در این اصول مناقشاتی مطرح می‌گردد از سوی دیگر این مقاله اصول اخلاقی مشترک اسلامی را که بتواند در سطح جهانی پیشنهاد گردد ارائه می‌کند. در آثار فارسی نیز کتاب اخلاق تجارت آقای محمدعلمی نیز دیده می‌شود که اشاره‌ای به اصول اخلاقی نموده لیکن در بیان این ارزش‌ها، به اخلاق حداقلی جهانی توجهی نشده است. هدف اصلی پژوهش پیش رو یافتن اصول اخلاق حرفه‌ای در حیطه تجارت به خصوص معاملات تجاری بر مبنای اخلاق حداقلی جهانی با توجه به فقه اسلامی است و این مهم با توجه به کدهای اخلاقی در رشته‌های مختلف پیگیری می‌گردد. این پژوهش نخست به انتقادات وارد بر اخلاق مشترک پاسخ می‌دهد و درباره روش استخراج این اصول جمع‌بندی می‌کند سپس نگاهی اجمالی به طراحی کدهای اخلاقی می‌اندازد و در واپسین بخش به مرور آثار نویسندگان دیگر پرداخته و

^۱ ارجاعات این آثار در متن مقاله خواهد آمد.

با تحلیل محتوای منابع اسلامی و فقه امامیه، اصول مشترک اخلاق حداقلی را پیشنهاد می‌دهد.

۲- انتقاد به اخلاق جهانی و طرح پاسخ اجمالی از موضع کلی و موضع حقوق اسلامی

پس از ارائه اصول اخلاق جهانی متفکران متعددی به انتقاد از این اصول پرداختند. یکی از مهمترین افراد جان هایک فیلسوف دینی انگلیسی بود. او با ارائه شواهدی مانند رفتار نازی‌ها و دست اندکاران آپارتاید انتقاد کرد که اصول کلی که ارائه می‌گردد مفید نیست زیرا از سوی بدکاران و جانیان مورد تفسیر قرار می‌گیرد و آنان همواره اعمال غیر اخلاقی خویش را در لایه‌ای از اصول اخلاقی می‌پیچند و توجیه می‌کنند. از سوی دیگر او در اصلی بودن قاعده طلایی تشکیک کرد و با ارجاع به داروین، دو اصل: خودخواهی و خویشاوندی را به عنوان اصل نخستین مورد بازخوانی قرار داد. او همه اصول اخلاق را در ۹ اصل میانی^۱ مفید خلاصه نمود و مدعی شد که این اصول در محل‌های نزاع به سوال‌ها پاسخ نمی‌دهند. با این حال او در نهایت، اخلاق جهانی را نفی نمی‌کند و اذعان می‌کند که اخلاق جهانی باید از پرده برون افتد و راه این کار را «مشورت جهانگستر فراتر از گونه‌های غربی» عنوان می‌کند. (Hick, 2007: 4-6)

هجز نیز چندین انتقاد را دسته‌بندی نموده و چیزی افزوده است او نیز بر تفسیرپذیری اصول و غربی بودن آن تاکید می‌کند. او ابتدای اصول مدون جهانی را بر اخلاق لیبرال غربی و نمایندگی از رهبران میانه رو مذاهب عنوان می‌کند و به اندیشه‌هایی اشاره می‌کند که ماهیت آن را استعماری می‌دانند (muck, 1997: 217) او نیز اخلاق

۱- کرامت ذاتی ۲- آزادی اندیشه ۳- آزادی بیان ۴- دموکراسی و مشارکت ۵- برابری مرد و زن ۶- حق مالکیت ۷- حق کار و فراغت ۸- صلح و نفی خشونت ۹- احترام به محیط زیست

جهانی را نفی نمی‌کند اما پیشنهاد می‌دهد که اخلاق جهانی به جای نمایندگی از متکلمان سفید پوست غربی، صدای طرد شدگان و ستمدیدگان و فقرا نیز باشد و برای این کار پیشنهاد می‌دهد که یک گام به عقب گذاشته و مدل جدیدی اتخاذ گردد اما مدلی که ارائه می‌دهد چندان مفهوم نیست و در درون متعارض است. روش او برای اخلاق جهانی، در نظر گرفتن اخلاق‌های محلی و منطقه‌ای، به صورت وصله‌ای از قطعات مختلف است. (Hedges, 2008: 10) برخی ضمن پذیرفتن اخلاق حداقلی، تعدادی از اصول اخلاقی را بر شمرده‌اند لیکن ارزش‌های عمده‌ی اخلاقی بیان شده از جانب ایشان، با اجماع و برداشت همگانی که روش مهم تحصیل اخلاق حداقلی است و نظر سایر نویسندگان مغایر است. (Naqvi, 2003: 10) بعضی نیز به مبانی نظری و روش کونگک اعتراض کرده‌اند که معرفت‌پیشینی و ماقبل تجربی و منشا آسمانی اخلاق را در نظر نمی‌گیرد (نجفی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۱) و روش استقرا یعنی تفکر و مشاهده در الگوهای تکرار شونده نمی‌تواند جای روش قیاسی را بگیرد (قریشی و دیگران، ۲۰۲۲: ۱۸۶) آنان هم چنین مصالحه با غیر واقع‌گرایان اخلاقی را نمی‌پذیرند.

با این همه در پاسخ باید به چند مطلب به نحو اجمال اشاره کرد: ۱- اخلاق جهانی ضرورتی بشری است. ۲- برای رسیدن به اخلاق جهانی راهی جز گفتگو و اجماع نیست. ۴- اخلاق جهانی محدوده‌ای دارد که از نظر خردمندان جهان پذیرفته شده و تفسیر ناپذیر است. ۳- اخلاق جهانی از رهگذر مذاهب می‌گذرد ۴- دین اسلام و به ویژه مبانی اصولی مکتب شیعه اخلاق جهانی را می‌پذیرد.

در این که اخلاق جهانی در دنیای به پیوسته کنونی ضرورتی بشری است تردیدی نیست و در این باره در مقدمه بیانیه‌های یاد شده بسی سخن رفته است. مهم‌ترین مشکلات مهم جهانی بشر یعنی: نفی جنگ و جنایت، گرمایش زمین، بحران محیط

زیست، تروریسم، فساد، سلامت و پیشگیری از بیماری‌ها، کنترل مهاجرت و موضوع این مقاله: «تجارت سالم و سودمند»، به کلی نیازمند همکاری جهانی بر پایه معیارهای مشترک است. با نسبی‌گرایی اخلاقی نمی‌توان دنیا را اداره کرد و بدکاران را بازداشت و مکافات نمود و راه رسیدن به اشتراکات نمی‌تواند صرفاً تأکید بر گزاره‌های خاص فرهنگ‌های گوناگون باشد. بنابر این راهی جز گفتگو و اجماع وجود ندارد.

تفسیرپذیری گزاره‌های کلی مشترک نیز مانعی بر سر راه نخواهد بود زیرا در باب «حقوق بشر» تجربه نشان داد که توافق جهانی بر اصول کلی^۱ به رغم کاستی‌ها طی کمتر از یک سده اخیر تا چه میزان به اصلاح جوامع و رفتار حکمرانان کمک کرده است. وضعیت کنونی جهان مطلوب نیست اما اگر همین توافق بر ارزش‌های جهانی حقوق بشر و میثاق‌های آن نبود امروز جهان در وضعیتی بحرانی‌تر دست و پا می‌زد. می‌توان نمونه‌های فراوانی را برشمرد که جامعه جهانی هیچ نوع تفسیری را برنناخته و چگونه رفتارهای غیراخلاقی نکوهش و بازداشت شده است. اخلاق جهانی، هم در محدوده کلی و هم در حیطه‌های مهمی مانند: اخلاق زیستی، اخلاق فناوری و سایبری و اخلاق تجارت یک ضرورت است و می‌تواند کارکردهای مهمی داشته باشد. یکی از نمونه‌های دیگر کارآمد اخلاق مشترک، اصول اخلاق زیستی است که توسط چشایر و فیفوت تدوین شد.^۲ با آنکه این دو، اصول اخلاق را فقط در چهار اصل اخلاقی خلاصه و ارائه نمودند اما تفسیرپذیری مانع آن نشد که این اخلاق حداقلی بتواند در مطالعات

^۱ اعلامیه جهانی ۱۹۴۷ و کنفرانس یونسکو ۱۹۸۹، اعلامیه به سوی اخلاق جهانی ۱۹۹۳، پروژه مدل‌های نظام جهانی ۱۹۶۷، موسسه اخلاق جهانی ۱۹۹۰، منشور سازمان ملل متحد، کمیسیون منشور زمین ۱۹۹۷.

^۲ Cheshire & Fifoot Law of Contract

بسیاری از نویسندگان اخلاق زیستی منشاء اثر گردیده و مورد استناد قرار گیرد و در پاسخ به سوالات حرفه‌ای پاسخگو باشد.

توضیح این که مذاهب دنیا بنیاد بخش اعظم فرهنگ جهانی است و در اینکه اصولی مشترک در همه ادیان برای رفتار اخلاقی بشر ترسیم شده است نیز تردیدی نیست. بنابراین شگفت نیست که «فیلسوفان دین» در این راه پیشگام شده‌اند. در این میان مکتب اسلام که بر خلاف برخی از ادیان، آیین خود را قومی و نژادی ندانسته و مکتبی جهانی است ناسازگاری با اصول اخلاقی مشترک ندارد. اسلام خود را احیاگر و دربردارنده تمامی ادیان آسمانی پیشین می‌داند و قرآن برای توافق مشترک مومنان، فراخوان می‌دهد. نویسندگان، بسیار اشاره کرده‌اند که اسلام آیینی فطری و مناسب برای تمامی بشریت است^۱ (Ghahremani & Others, 2022: 182) و برای اصول اخلاق جهانی سازگاری دارد. طبیعت‌گرایان و بسیاری دیگر گفته‌اند که قضایای اخلاقی از نوع شناخت عقلی (شهودی) و مبتنی بر داده‌های پیشینی هستند لذا امکان درک همه بشر از اصول اخلاقی واحد وجود دارد. (فیاض لاهیجی، ۱۳۶۴: ۶۰-۶۲؛ Ghahremani & Others, 2022: 185) در حقوق امامیه حکم عقل و سیره عملی خردمندان دو منبع معتبر شناخته شده‌اند و برخی گفته‌اند که حکم عقل، به جز گزاره‌های بدیهی شامل گزاره‌های مشهور جهانی که بشر صرف‌نظر از نژاد و عواطف و انفعالات نفسانی صادر کرده است می‌گردد. ابن سینا به گزاره‌های مشهور جهانی آراء محمود می‌گوید که منشاء اعتبار آنها شهادت همگان یا شهادت اکثریت است.^۲

^۱ فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله

^۲ بوعلی سینا در اشارات می‌گوید: «و اما مشهورات، پس قسمی از آن عبارت است از همین اولیات و امثال آن که قبول آنها لازم و واجب است، لکن دخول آنها در مشهورات، نه به لحاظ این است که قبول آنها واجب است، بلکه به لحاظ عموم اعتراف جوامع نسبت بدانهاست». (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۳۴) برخی نیز از اصطلاح تادیبات

(ابوعلی سینا، ۱۳۹۴ق: ۴۵۳) و برخی گزاره‌های مشهور جهانی را بنای عقلا می‌دانند. محقق اصفهانی در فهم خویش از کلمات حکما تردیدی روا نمی‌دارد و معتقد می‌شود که حکیمان مسلمان، قضایای حسن و قبح را از مشهورات می‌دانند که اساس آنها بناات عقلانیه و تطابق آراء آنان است. (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۳۲) مقصود ما در اینجا بحث از جدایی حکم عقل از بنای عقلا و معیارهای آن نیست. بلکه منظور گزارش آن است که در نظریات اصول فقه امامیه، گزاره‌های کلی خردمندان جهان با عنوان بنای عقلا مهم‌ترین منبع حقوقی است که همواره مورد استناد قرار می‌گیرد. به خصوص عمده مباحث تجارت و معاملات مستند به عرف خردمندان است. بنابر این رویکرد این مقاله به ارائه اخلاق جهانی تجارت از منظر فقه امامیه تناقض آمیز نیست زیرا اسلام و فقه امامیه در مباحث معاملات تاکید اساسی خود را بر روش‌های مشترک خردمندان قرار داده است. و اگر این نکته هم نادیده انگاشته گردد، مطالب پیش گفته نشان داد که مطابق با نظر متفکران، اخلاق جهانی از مجرای دین می‌گذرد لذا مطالعات این تحقیق را می‌توان دست کم گامی «به سوی» اخلاق تجارت جهانی برشمرد. چنان که برخی از نویسندگان حذف کلمه «به سوی» را از سرآغاز عنوان اعلامیه اخلاق جهانی نکوهش کرده‌اند. (Hedges, 2008: 8)

۳- طرح کدهای اخلاقی

صلاحیه استفاده کرده‌اند. تأدیبات صلاحیه، از قسم قضایای مشهورات هستند. و قضایای مشهورات؛ قضایایی هستند که میان مردم شهرت یافته است. کسانی که این امور نزدشان مشهور شده، گاه همه عقلا، گاه بیشتر ایشان و گاه گروه خاصی است. سبب شهرت یک قضیه یکی از این امور است: بدیهی بودن، فطری بودن، مصلحت عمومی نوع بشر، عادت افراد یک جامعه و عواطف احساسات و حالات خاص روحی. و عقل نیز به این اعتبار به آن حکم می‌کند. (رازی، قطب الدین، بی تا: ۳۳۴ - ۳۳۵؛ ابو نصر فارابی، ۱۴۰۸: ۱۹؛ سجادی، سید جعفر، ۱۳۷۳: ۱۶۸۶).

در زمینه اخلاق جهانی تجارت، تنها اعلامیه بین ادیانی، اعلامیه‌ای است که در سال ۱۹۹۴ توسط بنیاد بین ادیان تحت عنوان بیانیه بین ادیانی اخلاق جهانی تجارت برای مسیحیان، مسلمانان و یهود در لندن انتشار یافت. این اعلامیه، با روش تحلیل محتوای کتاب مقدس و اجماع، چهار اصل اخلاقی: عدالت، احترام متقابل، امانت و صداقت را به عنوان اصول مشترک اخلاق تجارت معرفی می‌کند. اما مطالعاتی جداگانه، با عنوان مطالعات اخلاق تجارت از منظر اسلام یا یهود یا مسیحیت دیده می‌شود که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. (Hedges, 2008: 1-16; غلام زاده و دیگران، ۱۴۰۳؛ Ghahremani & Others, 2022: 177-188; فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۸) هم چنین نویسندگان، کدهای مهم اخلاقی را در حیطه تجارت از نظر گذراندند. در کنار آن با جستجو در میان کدهای اخلاقی حرفه‌های مختلف، چندین مورد مهم دیده شد که مهم‌ترین آن، اصول اخلاق پزشکی است. در این زمینه کمیته ملی آمریکا به سال ۱۹۷۸ در زمینه پایه‌گذاری اصول سه‌گانه‌ای اشاره نمود که در آن خودمختاری فرد، سودمندی و جلوگیری از ضرر مدنظر واقع شده بود. این اصول سه‌گانه به تدریج توسط پزشکان و متخصصان در معالجه بیماران به کار بسته شد. و در نهایت با اضافه شدن اصل عدالت به چهار اصل تبدیل گردید و در سال ۱۹۸۰ اصول مذکور به عنوان اصول حیاتی مورد موافقت قرار گرفت و اجرا شد. (جمعی از نویسندگان، ۳/بی تا) کار ارزشمند بوچامپ و چلدرس در کتاب اصول اخلاق زیست‌پزشکی^۱ در زمینه معرفی این چهار اصل به عنوان اصول اخلاق پزشکی سرآمد است و نویسندگان این مقاله پرسش نخستین خود را با توجه به این تحقیق مطرح نمودند که آیا می‌توان با همین روش اخلاق مشترک تجارت را نیز به دست آورد؟

^۱ Principles of Biomedical Ethics

در حیطه پرستاری نیز کدهای اخلاقی، مورد توجه واقع شده است. قدیمی‌ترین کد توسط شورای بین‌المللی پرستاران در ۱۹۵۳ تدوین شد. پس از آن انجمن پرستاری آمریکا در سال ۱۹۸۵، کد جدیدی تدوین نمود. این کد در سال ۱۹۹۶ توسط کمیته ویژه کدهای اخلاق مورد بازنگری قرار گرفت. (سنجری و همکاران، ۱۳۹۰/۱۹) آیین اخلاق پرستاری ایران نیز که فروردین ۱۳۹۰ ابلاغ شده به مفاهیم ارزشی نظیر حفظ شأن و کرامت انسانی، پابندی به تعهدات حرفه‌ای، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، حفظ حریم خصوصی مددجویان/بیماران، ارتقاء صلاحیت علمی و عملی و احترام به استقلال فردی می‌پردازد.

کدهای اخلاقی در زمینه گردشگری را نیز می‌توان مورد توجه قرار داد که هدف از تدوین آن، تصحیح نگرش و اصلاح رفتار در جهت ارتقاء محیط زیست و به حداقل رساندن اثرات منفی گردشگری است. کد جهانی گردشگری شامل ۱۰ اصل می‌باشد. (شیخی و پازوکی، ۱۳۹۹/۳۰)

در منشور حرفه حسابداری، پنج اصل اخلاقی، این حرفه را هدایت می‌کند: صداقت، عینیت، صلاحیت حرفه‌ای، رازداری و رفتار حرفه‌ای. در علم مدیریت کسب و کار نیز چهارده اصل اخلاقی بیان گردیده است.

علاوه بر این، یکی از کدهای مهم موجود، کد بین‌المللی تبلیغات ICC است که از جمله موارد مرتبط با بازار جهانی است. این کد در سال ۱۹۹۷ مصوب گردیده و به چهار اصل: قانونی بودن، شایسته بودن، درستکاری و راستگویی اشاره نموده و در ادامه مسئولیت اجتماعی را مورد توجه قرار داده و در نهایت ایجاد اعتماد را مهمترین عنصر بازاریابی شناخته است. در قسمتی دیگر نیز اصول حاکم بر تبلیغات فروش را بر منصفانه

و محترمانه بودن تبلیغات و رعایت درستکاری بنا نهاده است. (2018).
International Chamber of Commerce ICC) همچنین برای تدوین این
مقاله تعداد زیادی از کدهای اخلاقی کسب و کارهای مختلف که توسط بنگاه‌های
اقتصادی انتشار یافته است از نظر گذشت.^۱

۴- پیشنهاد کد اخلاق تجارت بر مبنای اسلامی

ارزش‌های اسلامی را می‌توان به سه دسته: ۱- ارزش‌ها در ارتباط با خود مانند: پاکی،
دانش، تلاش، اعتماد به نفس، معنویت، شجاعت، ۲- ارزش‌ها در ارتباط با خداوند مانند:
ایمان، تقوا، بندگی، نیت، توحید، و ۳- ارزش‌ها در ارتباط با دیگران مانند: عدالت،
تعاون، احسان و مهربانی، صداقت، امانت، خیرخواهی، وفاداری، برابری، صلح و عدم
خشونت، دسته‌بندی کرد. البته برخی از ارزش‌ها مانند تقوا می‌تواند چند جنبه داشته
باشد. در هر حال بر خلاف آنکه برخی از نویسندگان از ارزش‌های دسته اول و دوم
استفاده کرده‌اند، به نظر می‌رسد ارزش‌های تجارت را باید در دسته سوم جستجو کرد.
بیکون اصول کلی اخلاق اسلام را: خیر، برّ، قسط، عدل، حق، معروف و تقوا می‌شمرد
که جمع «صالحات» را در برابر «سیئات» تشکیل می‌دهد. (beekun & Badavi, 2005: 134)
برای معرفی ارزش‌های تجارت بهتر است ارزش‌های جزئی‌تری را
معرفی کرد. برای مثال یکی از هنجارهای مهم دسته سوم که در مقایسه با سایر ارزش‌ها
وزن بسیار دارد «معروف» بودن رفتار است. اسلام پیوسته به معروف و امر به آن فرمان

¹ MediaKind Code-of-Business-Ethics; Google's Code of Conduct; Microsoft's Standards of Business Conduct; The ANZ Code of Conduct; CommBank's Code of Conduct; The Westpac Banking Corporation's Code of Conduct; . Hershey's Code of Conduct; Pepsico's Code of Conduct; Starbucks' Code of Conduct.

می‌دهد.^۱ اما از این ارزش به عنوان ارزش مستقل در اخلاق تجارت یاد نمی‌کنیم و به جای آن ارزش‌هایی مانند در ستکاری، وفای به عهد، احترام متقابل که تفسیری از عمل معروف است را باید انتخاب کنیم. به همین ترتیب از مفاهیم مهم قرآنی خیر و تقوا نیز استفاده نشد زیرا مفهومی عام و حاکم بر همه ارزش‌هاست. مفهوم مسئولیت‌پذیری یا «فرض» نیز انتخاب نشد زیرا مفهوم «انجام وظیفه» مفهومی کلی است و بهتر است با ارزش‌هایی باعث تشخیص وظیفه می‌شود جایگزین گردد. بسیاری از نویسندگان به تبعیت از نقوی چهار اصل: توحید، تعادل، اختیار و فرض (مسئولیت) را مطرح کرده‌اند (Naqvi, 2003:8; Naqvi 2013:26-29; Sirageldin, 1995:7; Zulni and Achira, 2020:235-237, Alwi & Others, 2021:2 مطابق نظر بیکون احسان را جداگانه افزوده‌اند. (Beekun, 1997:20-28, Musa, 2025:7) بودیمان فرض را حذف کرده و احسان را جایگزین کرده است (Budiman, 2020:98-99) بعضی هم ارزش‌های دیگری مانند صداقت و وفای به عهد را اضافه کرده‌اند (Jamal Uddin, 2003: 27-28, Li Jie et.al, 2023:6-) 7) بعضی از واژه «خلافت» در معنای امانت و نظارت کمک گرفته و به چهار ارزش یاد شده افزوده‌اند. (Musa, 2025: 7) ترنبول شش اصل: توحید، ایمان (شامل وفای به عهد)، خلافت، تعادل، عدل، توازن و آزادی را ترجیح می‌دهد. (Turnbull 2016: 7) بیکون و بداوی در جای دیگر تنها سه اصل: عدالت و تعادل، امانت و احسان را ذکر کرده‌اند. (Beekun, Badawi 2005:133-134) ارسلان هم اصل اختیار را کاسته است. (Arslan, 2008: 27-39) جومردی و همکاران نیز با حذف توحید از چهار اصل نقوی، اصل تقوا و شرافت و مهربانی را به عنوان اصل چهارم ذکر کرده‌اند.

^۱ «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف، ۱۹۹)، برای مثال اصل نخستین رفتار در حقوق خانواده عمل متعارف است: «و عاشروهن بالمعروف» (نساء، ۱۹)

(Jumardi et.al, 2022:262) بعضی در باب ارزش‌های اسلامی بانکداری، ارزش شفافیت، و پاسخگویی را در تفسیر عدالت ذکر کرده‌اند و در کنار مسئولیت‌پذیری و استقلال، اصل‌های انصاف و برابری و صراحت را افزوده‌اند. (Liestyowati, 2024:6) منصور و مذکور رعایت شریعت، نفی ربا، وفای به عهد، عدم تقصیر و احسان را پیشنهاد می‌دهند (Mansour and Mathkur, 2019: 150) ایوب در کتاب مفصل خود پنج اصل: عدالت، وفای به عهد، همکاری دو طرفه و نفی حرج، آزادی و بهای عادلانه و نفی ضرر را پیشنهاد می‌دهد. (Ayub, 2007:64-67) علی و کاظمی سه اصل منفعت عمومی، اعتدال و وسطیت و احسان را بر می‌شمرند. (Ali, 2014:20, kazmi,2016:3)

در منابع اسلامی به جز مفاد قرآن کریم، حدیث‌های متعددی در باب آداب و احکام تجارت ذکر شده که حقوق دانان مسلمان از دیرباز بخشی از کتاب تجارت را به آن اختصاص داده‌اند^۱ و در توضیح اصول منتخب به اهم آنها اشاره خواهد شد. در جستجوی کتب اخلاق اسلامی نیز آنچه غزالی در کتاب «احیاء علوم الدین» و به تبع او فیض کاشانی در کتاب مفصل خویش «محجّه البیضاء» به عنوان اخلاق تجارت تدوین نموده‌اند شاخص و حائز اهمیت است. غزالی چهار اصل: صحت (شامل درستکاری)، عدل، احسان و شفقت نسبت به دین را به عنوان اصول کلی ذکر می‌کند. (غزالی، ۲۰۰۵: ۱۶۸/۴، فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۳۸-۲۰۰) اصل اخیر نیز مانند «اصل پذیرش

^۱ سبحانی، المواهب فی تحریر احکام المکاسب؛ شیخ انصاری، کتاب المکاسب؛ شیرازی، ایصال الطالب إلى المکاسب؛ شهید اول، اللمعه الدمشقیه؛ شهید ثانی، الروضه البهیة؛ علی کزازی، حاشیه المکاسب؛ مظفر، حاشیه المظفر علی المکاسب؛ موسوی الخمینی، کتاب البیع، جلد اول و المکاسب المحرمه؛ نایینی، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب؛ کاشف الغطاء، أنوار الفقاهه - کتاب المکاسب؛ نراقی، أنیس التجار؛ وجدانی فخر، الجواهر الفخریه فی شرح الروضه البهیة؛ یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه المکاسب و...

مسئولیت»، انتخاب نشد زیرا تقویت احکام دین (مانند آنچه درباره عنوان معروف و تقوا گفتیم) یک عنوان کلی و جامع همه اصول است و بهتر است اصولی که مسئولیت اخلاقی و دینی یک مسلمان را تبیین می‌کند جداگانه برشمرده شود. در میان اصولی که نویسندگان اشاره کردند، اصل توحید و وحدت نیز انتخاب نشد زیرا توحید یک اصل اعتقادی است و پارادایم حاکم بر تمامی اخلاقیات اسلامی است (Habshi 1987:3) نه یک اصل اخلاقی. در کتب اخلاق نیز یاد کردن از توحید در شمار ارزش‌های اخلاقی مرسوم نبوده است. متأسفانه در دهه‌های اخیر این اصل به جای آنکه عامل وحدت مسلمانان باشد توسط گروه‌های افراطی عاملی برای نفی دیگران و خشونت‌های گسترده گردید. به نظر می‌رسد اگر نویسندگان به چهار اصل بیانیه بین‌ادیانی اخلاق جهانی تجارت ۱۹۹۴ یعنی: عدالت، احترام متقابل، امانت و صداقت گرایش می‌نمودند بیشتر به محتوای اسلامی اخلاق تجاری نزدیک می‌شدند. اصل آزادی و اختیار نیز هر چند در امری مانند پزشکی بسیار مهم است اما در منابع اخلاقی، تأکید نشده و در تجارت نسبت به ارزش‌های دیگری که وزن بیشتری دارد در اولویت نیست. گرچه اختیار به خودی خود یک ارزش است اما از نظر اخلاقی، مهم‌تر، چیزی است که انتخاب می‌شود. جنبه سلبی آن هم یعنی نفی جبر در ارزش عدالت می‌گنجد. در هر حال نویسندگان این مقاله پس از جستجوی طولانی، در نهایت با مطالعه تحلیلی از منابع اسلامی و کدهای اخلاقی ادیان و آنچه در زمینه اخلاق حرفه‌ای تدوین شده بود، پنج اصل اساسی: عدالت، در ستکاری، احترام متقابل، انصاف و احسان را به عنوان جامع اصول اخلاق حداقلی منطبق با اصول اسلام و مذهب امامیه معرفی نمودند. اهمیت این قبیل تحقیقات، در تعیین وزن ارزش‌های اصلی و جداسازی آن از ارزش‌های فرعی است و نویسندگان این مقاله نیز در صدد چیزی جز گام‌های آغازین برای تدوین چنین اصولی نیستند و این تلاش باید مورد بررسی و نقد سایر محققان واقع گردد.

اصل اول اخلاق تجارت، عدالت است. تحلیل محتوای قرآن و سنت نشان می‌دهد که عدالت از اساسی‌ترین ارزش‌های بشری است و در آموزه‌های دینی اساس روابط بین انسانها عدالت است و در قرآن و سنت و کتب مقدس بارها بر آن تاکید شده است.^۱ عدالت در اصول اخلاق ادیان و کدهای متعدد دیگر و آثار نویسندگان مهمی که اشاره شد سرسلسله اصول اخلاقی است. در بیانیه اخلاق جهانی در میان چهار اصلی که تصدیق شده است^۲ اصل دوم «تعهد به فرهنگ یکپارچه عادلانه اقتصادی» است. کونگک نیز یکی از اصول اخلاق جهانی را استفاده از ثروت مطابق عدالت و در جهت پیشرفت انسان معرفی می‌کند (کونگک - نجفی: ۱۱۹) والزر نیز تنها دو ارزش: صدق و عدالت را به عنوان ارزش‌های اولیه برگزیده است. (کونگک - نجفی: ۱۲۰)

عدالت مهم‌ترین معیار مورد توافق طرفداران اخلاق مستقل از دین (اخلاق سکولار) و اخلاق طبیعی و دینی است. (پور روستایی و آیتی، ۱۳۹۱: ۶) برابری، مساوات، انصاف، بی‌طرفی و همچنین تعادل، توازن، تناسب، حد وسط و مطابقت با نظم از جمله

^۱ قرآن، یا ایهاالذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شئنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی، (مائده، ۸)، و آیه لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط (حدید، ۲۵)، و آیه شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط (آل عمران، ۱۸)، و آیه ان الله یمرکم بالعدل و الاحسان (نحل، ۹۰)، تورات سفر تثئیه باب ۱۶ عبارت ۲۰: عدالت و فقط عدالت را دنبال کنید تا زنده بمانید و سرزمینی را که خداوند، به شما می‌دهد، به ارث ببرید. عیسی نیز اظهار داشت که برخی از معلمان یهودی زمان او از مسائل مهمتر تورات، یعنی عدالت و رحمت و امانت، غفلت ورزیدند (متی: ۲۳-۲۴؛ ۲۰: ۱۲: ۷۴) و پولس از مسیحیان می‌خواهد آنچه را که راست و درست است، در نظر بگیرند نامه پولس به فیلیپیان. (۴: ۸؛ ۵: ۱۰؛ ۲۰: ۱۲)

^۲ اصلهای دیگر چنین است: خشونت‌گریزی، احترام، صلح و آرامش

تعاریفی است که برای عدالت در اصطلاح حقوقی به آن اشاره شده است. (اترک، ۱۳۹۲: ۱۰۷)

ارزش عدالت می‌تواند حاوی مفهوم توزیع ثروت^۱ و در دسترس قرار گرفتن ثروت و منابع برای عموم و فرصت برابر در رقابت سالم باشد که محتوای بسیاری از احکام اسلامی است و ذکر آن به درازا می‌کشد. عدالت، مفهومی یکپارچه و قابل تعریف ندارد. در مکاتب مختلف اجتماعی، این مفهوم به معانی متفاوتی به کار رفته است. پیروان حقوق طبیعی عدالت فرازمانی و فرامکانی را بر پایه عقل، وحی یا واقعیت می‌پذیرند و آن را مبنای حقوق می‌دانند اما پوزیتیویست‌ها عدالت را به این نحو قابل پذیرش نمی‌دانند هرچند ممکن است نوعی عدالت نامحدود، زمان‌مند، مکان‌مند و نسبی را مطرح کنند. (دلدار، ۱۳۹۶: ۱۱۱)

در اسلام بر اساس تقسیم‌بندی عدالت به تکوینی به معنی «وَضْعُ الشَّيْءِ فِي مَوْضِعِهِ» و عدالت تشریعی با تعریف «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ» آمده است. نقطه مقابل عدالت تکوینی، بی‌تناسبی و نقطه مقابل عدالت تشریعی، ظلم می‌باشد. (آقا جانی و خیری‌دوست، ۱۳۹۴: ۱۱۵) اگرچه مکتب حقوقی اسلام و مکاتب حقوق طبیعی در تأکید بر عنصر عدالت به عنوان مبنا یا هدف حقوق، مشترک‌اند اما با وجود این، باید توجه داشت که عدالت اسلامی از چند ویژگی منحصر به فرد برخوردار است و برخلاف برخی مکاتب حقوق طبیعی و یا پوزیتیویستی که عدالت را عدالت احساسی (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۹۱) یا وجدانی، اعتباری یا دولتی می‌دانند، عدالت از دیدگاه اسلام عدالتی واقعی و حقیقی است. زیرا بر اساس نظریه صحیح، احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی است. (دانش‌پژوه، ۱۳۸۶: ۱۰۶) عدالت دارای شاخه‌های متنوع

^۱ کی لا یكون دولةً بین الأغنیاء منکم/ ثروت نباید تنها در بین اغنیاء چرخش کند. (حشر، ۷)

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی است که خود عدالت اجتماعی به سه زیرشاخه عدالت اداری، اقتصادی و قضایی تقسیم می‌شود. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۱: ۲۴) عدالت اقتصادی، مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی و پرداخت حقوق اقتصادی به صاحبان آنها می‌باشد. عدالت اقتصادی به اعتبار انواع صاحبان حقوق، به دو بخش عدالت تخصیصی (پرداخت حقوق اقتصادی اموال) و عدالت توزیعی (پرداخت حقوق اقتصادی انسان‌ها) تقسیم می‌شود. در کنار آن، عدالت استحقاقی نیز از جمله انواع عدالت اقتصادی دانسته شده و به این مفهوم است که افراد با توجه به اختلاف از نظر استعدادها به آنچه شایسته آنان است دست یابند. در نظام اسلامی، وظیفه حکومت است که افراد ناتوان را تا برآوردن نیازهای حیاتی یاری رساند. (دلدار، ۱۳۹۶: ۱۲۳) نوع دیگر عدالت اقتصادی، عدالت معاوضی است که در نتیجه آن میزان دقیق حقوق هر شخص معین می‌شود به نحوی که حقوق طرفین قرارداد با هم برابری نماید. (خندانی و خاکباز، ۱۳۹۲: ۷۱) در فقه اسلامی، مواردی پراکنده از عدالت در مسائل مختلف معاملات دیده می‌شود. اشاره شد که این اصل، نخستین اصل از چهار اصل غزالی است که مبحثی جداگانه را به آن اختصاص داده است. (غزالی، ۲۰۰۵، ج ۴: ۱۸۹) فیض کاشانی فقیه اخلاق پژوه نیز به مفهوم عدل در معاملات توجه ویژه داشته است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۱۶۶/۳) ایشان عدل را مقابل ظلم دانسته و معیار ظلم را ضرر رساندن تعیین کرده اند که این ضرر می‌تواند نوعی باشد مانند احتکار که کراهت یا حتی تحریم آن بیان شده است و ترویج پول تقلبی و یا ضرری باشد که به طرف مقابل معامله وارد می‌شود که مفهوم عدل در این نوع ضرر بیشتر بیان گردیده است. معیار ضرر نیز می‌تواند مفهوم مثبت و منفی قاعده طلایی ادیان به معنی مراعات دیگران در سود و زیان باشد. بنابراین ایشان در فقه اسلامی، چهار اخلاق تجاری بر این مبنا را ذکر نموده‌اند: ۱- ترک مدح کالا (نسبت به ویژگی که در آن نیست) ۲- ظاهر ساختن

عیوب کالا (چه پنهان و چه آشکار) ۳- پنهان نکردن مقدار (احتیاط در وزن و کیل)
۴- راستگویی در قیمت (پرهیز از نجش و تلقی رُکبان). (فیض کاشانی، ۱۷۳/۳) با این
تعبیر معیارهای: سودرسانی و ضرر نرساندن نیز ذیل همین عنوان قرار می‌گیرد.

ذیل این عنوان در فقه کم و زیاد نکردن وزن زمانی که احسانی در کار نیست، ترک
ورود به معامله برادر مومن خود چه در خرید و چه در فروش به نحوی که بخواهد بیش
از آنچه بین آنها مقرر است بخرد یا بیش از آنچه بایع بخشش کرده بخشش کند؛
پذیرفتن وکالت بادیه نشین توسط شهرنشین؛ ترک احتکار (یا حرام یا مکروه)؛
اجتناب از ربا (غیر از موارد استثناء)؛ اجتناب از خرید و فروش در تاریکی؛ اجتناب از
نجش به دلیل کراهت یا حرمت نجش، آمده است. (بحرانی، ۱۴۲۱: ۴۷۸-۵۰۳؛ شهید
ثانی، ۱۴۱۰: ۱۳۵؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۲۸۶/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۱۳۹۲/۲-۱۳۹۸؛ وجدانی
فخر، ۱۴۲۶: ۳۱۳-۳۴۶)

در نظام حقوقی برخی کشورها مانند مصر، عدالت صریحاً از منابع حقوق و صدور
حکم و تفسیر قراردادها قلمداد شده و بند ۲ ماده ۴۰۱ و ماده ۴۲۸ قانون مدنی جدید
مصر عدالت را از عوامل مؤثر در تعیین تعهدات بر شمرده است. (السنهوری، نقل از
سمنکان، ۱۳۹۳: ۹۳) در این باره از بین اسناد بین‌المللی می‌توان به ماده ۱۰ اصول
قراردادهای تجاری بین‌المللی اشاره نمود.

۲-۴- درست کاری

درست کاری حاوی ارزش‌هایی مانند راستگویی و صداقت است و خوش‌عهدی یا
حسن نیت را نیز در بر می‌گیرد. ترک خدعه و نیرنگ و اعتماد نیز در همین ارزش جای
می‌گیرد. این عنوان می‌تواند حاوی مفهوم امانتداری و مراقبت و استفاده صحیح از منابع

و حفظ محیط زیست نیز باشد. در برخی کتب، این اصل در قالب چندین اصل متفاوت معرفی شده است. (Qadri, 2020:168) از این رو به رغم جدایی دو ارزش: امانت داری و صداقت در بیانیه اخلاق بین ادیانی ۱۹۹۴ و به تبع آن تاکید برخی نویسندگان (Musa, 2025: 8) به این مسئله، پیشنهاد می گردد که این دو را تحت عنوانی واحد بیاوریم. تاکیدهای قرآن^۱ بر لزوم صدق، جایگاه مهم این اصل را نشان می دهد. همچنین در کتب روایی بخشی جداگانه به روایات فراوان وارد شده در باره صدق و ادای امانت اختصاص دارد که تحلیل محتوای آن، اهمیت این اصل را در زمره اساسی ترین اصول اخلاقی نمایان می سازد.^۲ همچنین در قرآن آیه ای است که مضمون آن با تورات مشترک است و تکرار آن، نشان دهنده ارزش خاص آن در ادیان آسمانی است: «و هنگامی که پیمان می کنید، حق پیمانه را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است».^۳ عموماً مربوط به وفای به عهد^۴ نیز باید به این مفهوم افزوده شود زیرا شامل «خوش عهدی» نیز می گردد. پیامبر اسلام می فرماید: «اگر می خواهید کسی را امتحان کنید به کثرت عبادت هایش ننگرید، بلکه او را به راستگویی و ادای امانت آزمایش کنید». از نظر معارف دینی صداقت و درستکاری سیره همه انبیاء و اولیاء الهی بوده و کلید نیکی و سعادت است. در ادیان دیگر نیز ارزش راستی به خصوص در معاملات در درجه ای ممتاز و نخستین دیده می شود. آموزه های

^۱ «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» (توبه، ۱۱۹)، «وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره ۱۷۷)

^۲ (رک. ریشه ری، میزان الحکمه ج ۵، صص ۲۸۳-۲۹۴؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴؛ ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۸۸، (الجزء الثانی)؛ وسائل الشیعه، عاملی، ج ۱۹، ص ۷۳)

^۳ «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء، ۳۵)

^۴ «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» (مائده، ۱)

فراوانی در تورات و تلمود به راستی و درستکاری اشاره دارد.^۱ (حمای لاله زار، ۱۳۸۸: <http://www.iranjewish.com>) مسیحیان نیز صداقت و راستگویی را از ویژگی‌های زندگی مومنان می‌دانند.^۲ در نظرسنجی که در سال ۲۰۲۳ در دانشگاه بیرمنگام انجام شد مشخص شد که پیروان ادیان مختلف در میان بیست و چهار فضیلت، به «صداقت» به عنوان یک ویژگی دینی مهم، نگاهی مشترک دارند و فداکاری و عدالت و کار خیر از دید آن‌ها در رده‌های بعدی قرار گرفتند. (<https://static1.squarespace.com/static,p15>)

^۱ برای صداقت و درستکاری در داد و ستد و معاملات در تورات و تلمود به موارد زیر اشاره می‌شود:

«به یکدیگر دروغ نگویند» (سفر لاویان ۱۹: ۱۱)

«هرگاه مالی به هموعت بفروشی یا از دست هموعت بخری همدیگر را فریب ندهید» (سفر لاویان ۲۵: ۱۴)
«در داوری و سنجش، کجی روا مدارید چه در اندازه گرفتن (طول)، چه در وزن کردن و چه در پیمانانه کردن، ترازوی صحیح، وزنه‌ی درست، پیمانانه جامدات راستین و پیمانانه مایعات حقیقی برای شما باشد...» (سفر لاویان ۱۹: ۳۵-۳۶)

«وقتی انسان را پس از مرگ به دادگاه عدل الهی می‌آورند، نخستین سؤالی که از او می‌پرسند، چنین است: آیا در داد و ستد و معاملات خود درستکار بوده‌ای؟» (تلمود رساله شبات ۳۱ الف)

«فریب دادن مردم ممنوع است، حتی اگر آنها بت پرست باشند» (تلمود - رساله حولین ۹۴ الف)
«پارسایان و رستگاران چون گفتند آری همان است و چون گفتند نه همان (روت ربا ۳: ۱۸) یعنی دلشان با زبانشان یکی است و سخنی که می‌گویند هماهنگ با نیت واقعی آنهاست»
«فرد درستکار و امین، برکت بسیار خواهد یافت. (امثال سلیمان نبی ۲۸: ۲۰)

انسان موظف است نه تنها در عملکرد و گفتار خود صادق باشد و از راستی منحرف نگردد بلکه در افکار خود نیز جز به حقیقت و راستی نیندیشد «در دل خویش به راستی سخن گوید». (مزامیر حضرت داود ۱۵: ۲)

^۲ عیسی می‌گوید انجام آنچه درست است آزمونی برای اطاعت از خداست کسی که درستکار است، به سوی نور می‌آید تا آشکارا دیده شود که اعمالش از جانب خدا انجام شده است (یوحنا ۳: ۲۱ و پولس در نامه افسسیان ترغیب می‌کند حقیقت با محبت گفته شود. (۴: ۱۵ ۴۹۶: ۲۱۱۲: ۴)

در کدهای اخلاقی بین‌المللی و نیز کدهای اخلاقی شرکت‌های مختلف، به طور مستقیم و غیر مستقیم از درستکاری به عنوان یکی از اصول اولیه رعایت اخلاق یاد شده است.^۱

در زبان انگلیسی واژه Honesty برای مفهوم راستی و درستکاری به کار می‌رود. در اخلاق حرفه‌ای واژه Integrity و fairness نیز مفهومی نزدیک به درستکاری دارد. در حقوق رمی، حسن نیت (Bona fide) که ما ترجمه درست فارسی آن را «خوش عهدی» می‌دانیم الزام اساسی رفتار در معاملات است. از آنجا که خوش عهدی تنها مفهومی ذهنی نیست و به استاندارد رفتار خارجی، ارتباط دارد می‌توان گفت که این مفهوم نیز ذیل درستکاری قرار می‌گیرد. قاعده خوش عهدی در بیشتر کشورهای دنیا جریان دارد. این اصطلاح در مگنا کارتا^۲ وجود دارد. در کشورهای تابع نظام حقوق مدنی، اصطلاحی شناخته شده است. در آمریکا نیز در مدونه نخست حقوق قراردادها^۳ و قانون متحد تجاری (UCC) ذکر شده است اما محاکم انگلیس تا پیش از اتحاد اروپا از به کار بردن این مفهوم خودداری می‌کردند و پس از آن، به آرا راه یافته است. (Zimmermann & Whittaker, 2000: 12)

در مقررات بین‌المللی، ماده ۱-۲۰۱ اصول اروپایی حقوق قراردادها و ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، به حسن نیت اشاره دارند. در هر دو سند، وظیفه طرفین برای رفتار بر طبق حسن نیت از چنان ماهیتی برخوردار است که طرفین نمی‌توانند بر

^۱ فهرستی از کدهای اخلاقی شرکت‌های مختلف که مورد بررسی واقع شده، در صفحات ابتدایی مقاله آورده شده است.

^۲ مگنا کارتا (Magna Carta) منشور کبیر منشور قانونی انگلیسی است که به طور رسمی در سال ۱۲۱۵ میلادی به تصویب رسید.

^۳ First Restatement of Contracts

طبق قرارداد، آن را مستثنا یا محدود کنند. (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۱: ۷۹؛ اخلاقی و امام، ۱۳۹۴: ۲۶) این اصل در کلیه مراحل قرارداد شامل مذاکرات مقدماتی، تشکیل، اجرای قرارداد و اعمال ضمانت اجرای مربوط به وظایف و حقوق قراردادی باید رعایت شود. (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۱: ۷۸) در کنوانسیون بیع بین الملل نیز، در ماده ۷، به حسن نیت صرفاً به عنوان یک قاعده تفسیری اشاره شده است. (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۱: ۸۰)

در نهایت، نتیجه درست کاری، ایجاد اعتماد بین طرفین و رونق تجارت و اقتصاد است از این رو با این معیار، نیازی به ذکر جداگانه «اعتماد» به عنوان اصل کلی اخلاق تجاری نیست.

تحلیل محتوای بسیاری از احکام معاملات در فقه اسلامی نشان می‌دهد که این مفهوم یک ارزش اساسی در معاملات است. نمونه‌هایی از رعایت درستکاری در معاملات تجاری بر مبنای فقه، یکی نهی از غبن در خرید یا فروش است (که از مصادیق آن ترک فروش چیزی که وزن کردن یا شمارش آن را نیکو نمی‌داند، می‌باشد). از دیگر موارد، نهی از غش در معاملات و ذکر عیب (چه ظاهری و چه باطنی) است. پوشانیدن عیب اگر با قصد باشد حرام و اگر بدون قصد باشد مکروه است. سوگند نیز در خرید و فروش در صورتی که راست باشد مکروه و اگر دروغ باشد حرام است. و در نهایت ترک تلقی رقبان نیز از جمله این مصادیق است. (عاملی، ۱۴۱۹: ۲۸۶/۳ و ۲۸۷، شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۳۵، وجدانی فخر، ۱۴۲۶: ۳۱۳-۳۴۶، فیض کا شانی، ۱۴۲۵: ۲/ ۱۳۹۲-۱۳۹۸، بحرانی، آل‌عصفور، ۱۴۲۱: ۴۷۸-۵۰۳) بیان درست واقعیات اقتصادی خود، رعایت استانداردهای تجارت منصفانه، ترک فریب کاری، پذیرش سند تجاری بدون آگاهی از وجود موانعی در راه دریافت وجه آن، خریدن کالا بدون آگاهی از اینکه شخص ثالثی نسبت به آن حقی دارد، معامله کردن کالای عمده بدون اطلاع از وجود

هرگونه دلیلی برخلاف قرارداد فروش، برای یک کالا طلب مجدد ثمن نکردن، پابندی به قرارداد و عدم سوءاستفاده از قانون برای نیل به اهداف و اکتفا به قانون از مصادیق درست کاری است. (دیلمی، ۱۳۸۹: ۵۱) نادرستی شرط عدم اتکا بر اظهارات متقابلانه در حقوق آمریکا و انگلیس نیز از مواردی است که مؤید ارزش رعایت اصل درست کاری در کلیه مراحل قرارداد می‌باشد.

۳-۴- احترام متقابل

قاعده طلایی ادیان که در دین اسلام نیز وجود دارد می‌تواند به عنوان معیاری برای احترام متقابل قرار گیرد؛ در قرآن آیه‌ای در باب تجارت بیان‌گر این ارزش است.^۱ در روایات اسلامی نیز تعداد قابل توجهی از روایات در این باب وجود دارد. (احمدی و شفیع، ۱۴۰۲: ۱۶۵-۱۸۰؛ اسلامی، ۱۳۸۶: ۵؛ Parrott, 2018: 65)

این ارزش در بیانیه بین‌الدینی اخلاق تجارت جهانی برای مسیحیان، مسلمانان و یهود یکی از چهار ارزش اساسی است. در انگلیس تحت عنوان قاعده همسایه و در آمریکا با عنوان سامری خوب به این قاعده استناد می‌شود و کشورهای زیادی آن را پذیرفته‌اند. (خورسندیان، ۱۴۰۱: ۱۱۸)

همچنین آیه ۲۹ سوره نساء در مورد معامله تجاری، احترام به استقلال طرف در خصوص رضایت به انجام معامله را مد نظر قرار داده و عدم رعایت آن را اکل مال به باطل دانسته است. تکلیف به رازداری در قبال اسرار تجاری (که در سندهای مختلف

^۱ «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ.» (وای بر کم‌فروشان، که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند؛ و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. (مطففین، ۱-)

نیز به آن اشاره شده) از مصادیق احترام متقابل به حریم شخصی (خصوصی) و منافع طرف مقابل است. مورد دیگر، حفظ اطلاعات شخصی کاربران در فضای مجازی هنگام معاملات تجاری آنلاین و عدم سوءاستفاده یا فروش آن است. (<https://www.channelpronetwork.com>) هر دو مورد، فارغ از ایجاد ضرر به طرف مقابل، اخلاقاً مذموم است چرا که همانند عدم رعایت اصل درست کاری، اعتمادی که مبنای روابط تجاری است، با افشای اسرار و اطلاعات شخصی از میان می‌رود و در دراز مدت موجب از رونق افتادن روابط تجاری می‌گردد. در هر صورت اگر این امر باعث به وجود آمدن ضرر گردد، مورد حمایت قانونی واقع می‌شود و از نظر فقهی نیز مطابق با قاعده لا ضرر یا شرط ضمنی مبنی بر عدم ایجاد ضرر است. در قوانین کشورهای چون آمریکا به صراحت به لزوم محرمانگی، برخورداری اطلاعات از ارزش اقتصادی اعم از بالفعل و بالقوه و لزوم اتخاذ اقدامات حفاظتی و امنیتی اشاره شده است. (کلته و اسکندر نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲۶)

تحریم نیز از موارد عدم احترام به منافع طرف قرارداد است. هنگامی که شرکت‌های تجاری یا بنگاه‌های اقتصادی به عقد قرارداد فروش محصولات خود اقدام می‌کنند، مکلف اند که خدمات بعد از فروش این کالاها را در محدوده زمانی که در قراردادها مشخص شده است تأمین نمایند. وقفه در تأمین این خدمات یا عدم ارائه قطعات و لوازم جنبی کالاهای فروخته شده مغایر با اصول اخلاق حرفه‌ای است. همچنین کشوری که به تحریم تجاری یا اقتصادی متوسل می‌شود، با محروم کردن شهروندان خود از کسب فرصت‌های تجاری و اقتصادی و نیز محروم نمودن صادرات کشورهای مشمول تحریم از مزایای اصل دول کامله‌الوداد که در تجارت بین‌الملل بیش از یک قرن پیشینه دارد

تخطی می‌نماید. وضع تعرفه‌های غیرعادی روی کالاها و هر نوع رفتار تبعیض آمیز مشابه نیز اقدامی غیراخلاقی است. (علمی، ۱۳۸۷: ۶۵)

اقاله یا فسخ دو طرفه معامله نیز از مباحث مربوط به رعایت احترام متقابل محسوب می‌گردد. نهی از برهم زدن عقد بعد از انعقاد (بدون دلیل) نیز از موارد احترام متقابل است. (عاملی، ۱۴۱۹: ۲۸۶/۳ و ۲۸۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۳۵؛ وجدانی فخر، ۱۴۲۶: ۳۱۳-۳۴۶، فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۲ / ۱۳۹۲-۱۳۹۸، بحرانی، آل عصفور، ۱۴۲۱: ۴۷۸-۵۰۳) این مورد می‌تواند ناشی از نارضایتی یک طرف قرارداد به دلیل کاهش سود ناشی از قرارداد به دلیل افزایش هزینه‌های ناشی از اجرای قرارداد یا نارضایتی به دلیل دریافت پیشنهاد به مراتب بهتر برای فروش مال موضوع قرارداد باشد. مورد اول مشمول نظریه تعذر اجرای قرارداد یا غبن حادث^۱ شده و در مورد دوم مشمول نقض کارآمد قرارداد می‌شود و این در شرایطی اتفاق می‌افتد که طرف ناراضی بتواند خسارات طرف قرارداد اول را جبران کند و قرارداد دوم را منعقد نماید در صورتی که نقض قرارداد اول و انعقاد قرارداد دوم را کارآمد تلقی می‌کند. (Ponser, 2014: 83) نمونه‌های این حالت را می‌توان در قراردادهایی که مواجه با قیمت‌های متفاوت (نوسان قیمت) در بازه زمانی کوتاهی هستند مانند نفت و گاز در سطح بین‌المللی و قراردادهای مربوط به

^۱ گاه پس از تشکیل صحیح عقد و متعهد شدن متعاقدين به تعهدات ناشی از قرارداد حوادثی رخ می‌دهد که باعث می‌گردد ایفای تعهدات قراردادی ناممکن گردد. در حقوق ایران از قاعده فقهی «بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» به تعذر اجرای تعهد تعبیر شده است و برای متعذر شدن ایفای تعهد شروط زیر لازم دانسته شده است: ۱- خارجی بودن سبب تعذر یا عدم دخالت اراده و اقدام متعاقدين در ایجاد آن ۲- اجتناب ناپذیر بودن تعذر ۳- غیرقابل پیش‌بینی بودن آن (شعبانی، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

اگر تعادل بین دو عوض قرارداد به نحو فاحش بر هم خورد یا وقوع حوادث پیش‌بینی نشده در زمان اجرای قرارداد تعادل عرفی تعهدات طرفین را دچار اختلال نماید برخی قائل به امکان تعدیل یا فسخ قرارداد گردیده‌اند که از آن تعبیر به غبن حادث شده است. (ربیعان، ۱۳۹۴: ۱)

خودرو یا مسکن در حقوق داخلی مشاهده نمود. برای مقابله با چنین حالتی که علاوه بر نهی اخلاقی، دارای آثار حقوقی و اجتماعی بسیاری است، امکان دریافت منافع ناشی از طمع‌ورزی نیز در حقوق ایالات متحده آمریکا مطرح گردیده است. (سخنور و خورسندیان، ۱۴۰۰: ۴۳)

۴-۴- انصاف

در تدوین کد اخلاق تجارت ممکن است انصاف را ذیل سه عنوان پیشین یعنی عدالت یا احترام متقابل و یا حتی درستکاری ببریم. اما مطالعه در منابع نشان می‌دهد که این ارزش چیزی فراتر از عدالت است و به صورت مستقل ارزشی اساسی دارد. در مطالعات اسلامی از جمله فقه شیعه مفاهیم پرشماری از انصاف معرفی شده است: ۱- انصاف گاهی به عنوان هم معنای عدالت ذکر شده است اما انصاف همان عدالت نیست بلکه مکمل عدالت است (وکیل زاده، صغیری، دهقان، ۱۳۹۸: ۹۹) ۲- در برخی موارد، انصاف به مفهوم تسویه یا تنصیف آمده است. این معنا همان معنای رایج اصل انصاف در حل اختلاف در خصوص معاملات تجاری است. ۳- در بعضی موارد انصاف به مفهوم گذشت و مدارا آمده که مفهومی عرفی از انصاف است که فراتر از عدالت می‌رود و با اخلاق پیوند می‌یابد. در این چارچوب، انصاف وظیفه تکمیل و تصحیح قانون را برعهده دارد و در موارد سکوت قانون یا منطقه‌الفراغ باید به سراغ انصاف رفت که همان عدالت برتر است. (توکلی، ۱۳۹۴: ۳۲) در روایات فقه شیعه، بر توجه و رعایت انصاف در تعاملات اجتماعی از جمله معاملات تجاری تاکید گردیده است. امام صادق (ع) در روایتی در این خصوص می‌فرماید: انصاف آن است که هر آنچه را برای خویش نیکو می‌شماری برای دیگری هم نیکو شماری و هر آنچه را برای خود ناپسند می‌شماری برای دیگری هم ناپسند بدانی. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۴/۲)

به نظر می‌رسد دستورالعمل آن حضرت در مفهوم انصاف، با مفهوم انصاف به معنای مدارا سازگارتر است و مقتضی حدی از احسان است. (توکل‌ی ۱۳۹۵: ۷۴)؛ زیرا فرد از میزان سودی که بر اساس عرف بازار باید می‌گرفت می‌کاهد. انصاف مدارایی در تجارت خارجی، در قالب وضع تعرفه‌های ترجیحی به سود طرف‌های ضعیف معنا می‌یابد. در فقه شیعه احکام زیر به عنوان نمونه‌هایی از لزوم رعایت انصاف در معاملات تجاری تکرار شده است:

در تحلیل محتوای آداب تجارت موارد متعددی را می‌توان ذیل انصاف قرار داد: رعایت تساوی بین معامله‌کنندگان به خاطر رعایت انصاف، عدم تزئین کالا (به نحوی که باعث اشتباه جاهل شود) یا کراهت تزئین کالا (عاملی، ۱۴۱۹: ۴۴۶ و ۱۳۶/۴؛ وجدانی‌فخر، ۱۴۲۶: ۳۱۳-۳۴۶؛ شهید ثانی، ۱۳۵: ۱۴۱۰) ترک سوگند در خرید و فروش؛ هر کدام از بایع و مشتری مدح بیش از حد یا ذم کالا را نکند و پرهیز از اغراق در خصوص کالا هنگام معرفی آن. (بحرانی، آل‌عصفور، ۱۴۲۱: ۴۷۸-۵۰۳، شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۳۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲/۴۵۴؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۴/۲۲؛ موسوی خمینی، ۱/۴۶۳؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۴۴۶ و ۱۳۶/۴؛ وجدانی‌فخر، ۱۴۲۶: ۳۱۱/۶؛ کلینی، ۱۵۱/۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۷؛ مجلسی، ۱۰/۹۶؛ وجدانی‌فخر، ۱۴۲۶: ۳۱۳-۳۴۶؛ بحرانی، آل‌عصفور، ۱۴۲۱: ۵۰۳-۴۷۸، عاملی، ۱۴۱۹: ۳/۲۸۶ و ۲۸۷) و در نهایت استحباب فروش و امضای بیع در زمان حصول سود و استحباب گرفتن طعام به صورت وزنی و استحباب آزمودن اشیا پیش از خرید. (بحرانی، آل‌عصفور، ۱۴۲۱: ۴۷۸-۵۰۳).

به طور کلی قاعده انصاف در مفهوم حقوقی در مرحله دعوای حقوقی و برای فیصله دادن به نزاع به کار می‌رود (مطیعی، البرزی و رکی، ۱۳۹۹: ۵۲۲، غفاری، عسکری، ۱۳۹۶: ۸۶) در حقوق ایران چندان به شکل منصوص، به انصاف اشاره نشده، لیکن

می‌توان در این خصوص به ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک که بیان می‌دارد: «استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل^۱ و همچنین اعمال شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف‌کننده، مؤثر نیست». اشاره نمود. در حقوق خارجی، انصاف یک اصل مسلم است و در قواعد بین‌المللی، فصل یا بخشی را به قاعده انصاف اختصاص داده‌اند. در بسیاری از مقالات حقوقی نیز از واژه انصاف به جای عدالت استفاده نموده‌اند. (غفاری، عسکری ۱۳۹۶: ۸۵، ۱: Lyons and Sugden, 2021)

در حقوق تطبیقی نیز در خصوص ارائه اطلاعات صحیح، نظر مشابه اعلام گردیده است. به عنوان مثال در حقوق انگلیس، عدم ارائه اطلاعات صحیح به مصرف‌کننده موجب تحقق معامله غیر منصفانه می‌گردد. همچنین برای حفظ حقوق مصرف‌کننده، در تمدید قرارداد، شرطی با عنوان شرط عدم فریب گنجانده می‌شود که به این وسیله شرکت‌های تجاری برای حفظ مشتریان خود، هرگونه تغییر در شرایط خرید یا مصرف را بازگو نمایند. (Lyons and Sugden, 2021: 24) شرط عدم مانع نیز به مصرف‌کننده اجازه می‌دهد که در خصوص کالا و خدمات مورد نیاز خود، آزادانه تحقیق نموده و تصمیم‌گیری نماید و اگر تاجر یا شرکت تجاری این موقعیت را برای وی فراهم ننماید و یا از ایجاد آن جلوگیری کند و مصرف‌کننده بدون اطلاع از قیمت یا شرایط کالا یا خدمات، اقدام به انعقاد قرارداد کند، قرارداد غیر منصفانه تلقی می‌گردد. (Ibid: 27) بنابراین، هر بنگاهی آزاد است با پیشنهاد معاملات به مصرف‌کنندگان به دنبال کسب سود باشد، مشروط بر اینکه این کار را بدون فریب و بدون ممانعت از معاملاتی که در آن دخالتی ندارد، انجام دهد. (Ibid: 35)

^۱ فصل اول از باب سوم قانون تجارت الکترونیک به بررسی قواعد مربوط به «حمایت از مصرف‌کننده» می‌پردازد.

مفهوم احسان، مواسات و برادری از مهمترین فضایل اخلاقی و دستورات ادیان است و قرآن کریم^۱ و روایات فراوانی بر آن تاکید دارد.^۲ گفته شد که نویسندگانی متعدد این ارزش را پیشنهاد داده‌اند. احسان ارزشی جامع‌تر و در بردارنده اصل سودرسانی است در عین حال مفاهیمی مانند: تعاون، همبستگی اجتماعی، همدلی و برادری و رشد اخلاقی را در بر دارد. در حقوق خارجی این واژه با دو واژه beneficence و benevolence معرفی شده است (Rizzo, 2008: 883) که از نظر اتیمولوژی یکی فعل درونی (جوانحی) و یکی فعل بیرونی است اما واژه احسان در زبان عربی معنایی کامل داشته و هر دو جنبه را در بر دارد و حتی برخی، احسان را یکی از پنج هدف مهم اخلاق اسلامی و تجارت بر شمرده‌اند. (Beekun, 1997: 28) با توجه به معانی که برای هر کدام از واژه‌ها ذکر شده است، به نظر می‌رسد که واژه beneficence که مربوط به مجموعه رفتارهای سودمند می‌باشد و عمومیتی بیشتر دارد (Beauchamp, childress, 2013: 202)، بیشتر با معاملات تجاری و مسائل مربوط به آن سازگار است نکته شایان توجه در خصوص احسان، اجباری بودن یا نبودن آن است. در کامن لا بیشتر رفتارهای منجر به احسان که فضیلتی اخلاقی محسوب می‌شود، اجباری نیست (جز وظیفه امداد در مورد افراد دارای رابطه نزدیک) و قانون نمی‌تواند به طور مناسب بر اجرای وظایف ناشی از احسان تاکید کند. اما در نظام حقوق مدنی

^۱ واژه «احسان» با مشتقاتش، ۳۴ بار و واژه «محسن» با مشتقاتش ۳۹ بار در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» نحل، ۹۰، «أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص، ۷۷)، «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۱۹۵)، «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْأَجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْأَجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (نساء، ۳۶)

^۲ دانشنامه اسلامی، <https://wiki.ahlolbait.com/>

برخی از انواع احسان مانند امداد و نجات انسان در خطر الزامی است. در هر حال احسان نقش محوری در تئوری‌های اخلاقی دارد. به عنوان مثال سودگرایی بر یکی از مفاهیم احسان (که سودرسانی می‌باشد) بنا شده است. برخی مانند دیوید هیوم نیز احسان را به خودی خود از اهداف اخلاقی برشمرده‌اند (Rizzo, 2008: 885) با عنایت به اینکه معیار احسان در بردارنده معیار سودرسانی که برخی از کدهای اخلاقی بدان اشاره نموده‌اند نیز می‌باشد نیازی به جدا نمودن و ذکر معیار سودرسانی نیست.

بخشش در خرید و فروش، ترک سود بیش از حد از مومنین و کراهت موکد سود گرفتن از شخصی که به او وعده احسان داده، مستحب بودن رعایت حال مردم در هنگام نیاز، قبول کردن معامله در جایی که نقصی دارد و باز گرداندنش در جایی که اضافه دارد. به شرطی که این نقصان و اضافه موجب جهالت نشود، از مصادیق احسان می‌باشند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۳۵، وجدانی فخر ۱۴۲۶: ۳۱۳-۳۴۶، فیض کاشانی ۱۴۲۵: ۲ / ۱۳۹۸-۱۳۹۲، بحرانی، آل‌عصفور، ۱۴۲۱: ۴۷۸-۵۰۳؛ Beekun, 1997: 28) فیض کاشانی اشاره می‌کند که اگر مشتری با میل خویش قیمت مبیع را به بیش از میزان آن در بازار پردازد از باب احسان تلقی می‌گردد. در خصوص عقد قرض نیز پرداخت بیش از میزان قرض از جانب قرض گیرنده بدون شرط، از موارد احسان تلقی شده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۳/ ۱۸۹) بر اساس تفسیر علامه طباطبایی در خصوص آیه ۹۰ سوره نحل، دو نوع احسان ابتدایی و جبرانی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۹) در معاملات تجاری احسان شامل طیفی وسیع می‌شود. احسان حداقلی در یک معامله مستلزم کاستن از سود، و احسان حداکثری مستلزم نگرفتن سود و یا حتی نگرفتن بهای کالا است.

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش با توجه به اخلاق حداقلی جهانی، این موضوع تایید شد که مذاهب دنیا بنیاد بخش اعظم فرهنگ جهانی را تشکیل می‌دهد و اصولی مشترک در همه ادیان برای رفتار اخلاقی بشر ترسیم شده است. در این میان مکتب اسلام به عنوان آیینی هماهنگ با فطرت بشریت و سازگار با اصول اخلاق جهانی بر مبنای حکم عقل و سیره عملی خردمندان که از مهم‌ترین منابع حقوقی است، اصول اساسی و مهمی را در تجارت به عنوان ارزش مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس می‌توان گامی به سوی ارائه اصول اخلاق جهانی تجارت برداشت. از این رو با بررسی کدهای اخلاقی مربوط به رشته‌های مختلف و تتبع در ارزش‌های اخلاقی، در نهایت از میان همه این ارزش‌ها پنج اصل کلی: عدالت، درست‌کاری، احترام متقابل، انصاف و احسان به عنوان اصول کلی اخلاق تجارت مطابق با اخلاق حداقلی جهانی پیشنهاد می‌شود و سایر ارزش‌های اخلاقی مانند حسن نیت، خوش‌عهدی، اعتماد، سودرسانی و ضرر نرساندن ذیل این اصول قرار می‌گیرد. تبیین شد که بهتر است در ارائه ارزش‌های مشترک، از اصول اعتقادی مانند توحید استفاده نشود و به جای استفاده از ارزش‌هایی مانند وظیفه‌گرایی و معروف از ارزش‌هایی استفاده گردد که در تشخیص وظیفه کمک کند.

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۹۴). **دانشنامه‌ی علایی (بخش منطق)**، به کوشش محمدمعین و محمد مشکوه، تهران، مولی.
- اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد (۱۳۹۴)، **اصول قرارداد‌های تجاری بین‌المللی**، چاپ چهارم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- اخوان‌کاظمی، بهرام (۱۳۸۱)، **عدالت در نظام سیاسی اسلام**، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- آقاجانی، معصومه؛ خیری‌دوست، زهرا (۱۳۹۴)، **توسعه پایدار در کنار عدالت و اخلاق در اقتصاد اسلامی**، اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۰، ۱۱۱-۱۴۶.

- اترک، حسین (۱۳۹۲)، **تقریری جدید از وظیفه گرایی نتیجه گرا**، تاملات فلسفی، ۹، ۸-۲۷.
- (۱۳۹۲)، **معانی عدالت در اخلاق اسلامی**، فلسفه و الاهیات، شماره ۱، ۱-۲۵.
- (۱۳۸۹)، **نگاهی انتقادی به دیدگاه کانت**، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، شماره ۸۵، ۹-۳۶.
- احمدی، الهه؛ شفیع، سعید (۱۴۰۲). **قاعده زرین اخلاق در ادیان و خاستگاه آن در روایات اسلامی**، ادیان و عرفان، شماره ۱، ۱۶۵-۱۸۰.
- آل-عصفور، حسین بن محمد بحرانی (۱۴۲۱ق)، **سداد العباد و ر شاد العباد**، در یک جلد، چاپ اول، قم، کتابفروشی محلاتی.
- بی‌نا (۲۰۱۲)، **انجیل عیسی مسیح**، ترجمه هزاره نو، انگلستان، انتشارات ایلام.
- پورروستایی، جواد، آیتی، محمدرضا (۱۳۹۱)، **ارزیابی طرح عدالت به عنوان قاعده فقهی**، پژوهش‌های اخلاقی، ۹ و ۱۰، ۵-۲۲.
- توکلی، محمدجواد (۱۳۹۴)، **مفهوم‌شناسی انصاف در اخلاق تجاری اسلامی**، معرفت/اخلاقی، ۱، ۵-۲۸.
- جمعی از نویسندگان (بی تا). **۱ اصول اخلاق پزشکی و الگوی تحلیل موارد اخلاق بالینی**. تهران، ایران: دانشگاه تهران.
- خندانی، سید پدram، خاکباز، محمد (۱۳۹۲)، **تفسیر نظریه عدالت معاوضی در قلمرو قراردادهای**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۸، ۶۹-۸۴.
- خورسندیان، محمدعلی (۱۴۰۱) **مطالعه تطبیقی احسان، برادری و نیکوکاری و معیارها و مسئولیت‌های ناشی از آن در حقوق خصوصی اسلام**، اروپا، و آمریکا، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۳، ۱۰۹-۱۳۹.
- حمامی‌لاله زار، یونس (۱۳۸۸)، **صداقت در آیین یهود**، http://www.iranjewish.com/Essay/Essay_36_Sedaghat.htm
- دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۸۶)، **تاملی در رابطه (حقوق و عدالت) با تاکید بر رویکرد اسلام**، معارف اسلامی و حقوق، ۲، ۸۵-۱۲۰.
- دلدار، محمدحسین (۱۳۹۶)، **بازخوانی و نقد نظرات عدالت و تبیین الگوی مطلوب اسلامی (با تاکید بر مسئله عدالت جغرافیایی در اقتصاد اسلامی)**، بلاغ مبین، ۵۲ و ۵۳، ۹۷-۱۲۸.

- دیلمی، احمد (۱۳۸۹)، **حسن نیت در مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- رازی، قطب‌الدین (بی تا)، **شرح مطالع الانوار فی المنطق**، چاپ اول، قم، انتشارات کتبی نجفی.
- ربیعیان، حمیدرضا (۱۳۹۴). **بررسی و مقایسه غبن حادث در حقوق ایران با اصول قراردادی اروپا**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳). **فرهنگ معارف اسلامی**، ج ۳، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سخنور، مهدی؛ خورسندیان، محمدعلی (۱۴۰۰). **قابلیت مطالبه منافع ناشی از طمع‌ورزی در قرارداد: مطالعه‌ای در حقوق امریکا و ایران**، مطالعات حقوقی، ۳، ۳۳-۶۴.
- سمنکان، سهراب (۱۳۹۳)، **اداره قضائی قرارداد با مداخله در تعیین گستره تعهدات قراردادی بر مبنای عدالت و انصاف یا مصلحت فردی و جمعی**، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۲۲، ۸۹-۱۰۴.
- سنجرى، مهناز و همکاران (۱۳۹۰)، **آیین اخلاق پرستاری ایران، اخلاق و تاریخ پزشکی**، ۱، ۱۸-۲۶.
- شعبانی، امید (۱۳۸۹)، **بررسی تعذر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران**، فقه و حقوق اسلامی، ۶، ۹۳-۱۱۰.
- شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم (۱۳۹۱)، **اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران**، چاپ دوم، تهران، انتشارات فروزش.
- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضة البهیة**، ۱۰ جلد، چاپ اول، قم، کتابفروشی دآوری.
- شیخی، داوود و پازکی، معصومه (۱۳۹۹). **تحلیل شاخص‌ها و کدهای اخلاقی گرد شگری**، اخلاق در علوم و فن آوری، ۲، ۲۹-۳۶.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، **تفسیر المیزان**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام**، جلد هفتم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب اسلامی.
- عاملی، حر، محمدبن حسن (۱۴۰۹ه.ق). **تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، جلد ۱۹، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹ق)، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، ۲۳ جلد، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- علمی، محمد (۱۳۷۸)، **اخلاق در تجارت**، چاپ اول، تهران، سازمان توسعه تجارت ایران و شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- غزالی، ابی حامد محمد بن محمد (۲۰۰۵)، **احیاء علوم الدین**، جلد چهارم، دار ابن حزم، بیروت: دار ابن حزم.
- غفاری، علی اکبر، عسکری، علیرضا، عابدیان، حسن (۱۳۹۶)، **قاعده عدالت و انصاف و تاثیر آن بر فقه و حقوق موضوعه**، مطالعات فقهی و فلسفی، ۳۲، ۸۱-۱۰۰.
- فارابی، ابونصر (۱۴۰۸ق). **المنطقیات**، چاپ اول، قم، مکتبه آیه اله المرعشی.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۲۵ق)، **الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام**، دو جلد، چاپ اول، تهران، دار نشر اللوح المحفوظ.
- (۱۴۱۷ق)، **محجه البیضا**، جلد سوم، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، **فلسفه حقوق**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کلتله، عبدالحمید و اسکندر نژاد، طاهره (۱۳۹۶)، **بررسی حقوق اسرار تجاری در روابط قراردادی و غیر قراردادی در حقوق ایران با نگاه تطبیقی در حقوق آمریکا**، پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۵، ۱۳۴-۱۲۳.
- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**، جلد دوم و پنجم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب اسلامی.
- لاهیجی، فیاض (۱۳۶۴). **سرمایه اعتقادی**، چاپ اول، ویرایش شده توسط لاریجانی، تهران، الزهرا.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰ق)، **بحار الانوار**، جلد دهم، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر.
- محمدی ریشه‌ری، محمد (۱۴۰۴ق). **میزان الحکمه**، جلد پنجم، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- معین، محمد (۱۳۸۰)، **فرهنگ فارسی یک جلدی**، چاپ اول، تهران، نشر سروايش.
- مطیعی، انسیه، البرزی ورکی، مسعود (۱۳۹۹)، **اصل انصاف؛ ماهیت، انواع و کارکردهای آن، حقوق خصوصی**، ۳۷، ۵۲۱-۵۴۱.
- موسوی خمینی، سید مصطفی (بی تا). **مستند تحریر الوسیله**، جلد اول، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). **جواهر الکلام فی شرح شرایع السلام**، جلد بیست و دوم، چاپ هفتم، بیروت: دار التراث العربی.

- نراقى، مولى احمد بن محمد (١٤١٥ق). **مستند الشيعة فى احكام الشريعة**، جلد چهاردهم، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- وكيل زاده، رحيم، صغيرى، اسماعيل، دهقان، رمضان (١٣٩٨)، **انصاف و عدالت از دیدگاه فقهی، فقه و مبانی حقوق اسلامی**، ٥، ٩٨-١١٨.
- وجدانى فخر، قدرت اله (١٤٢٦ق). **الجواهر الفخرية فى شرح الروضة البهية**، ١٦ جلد، چاپ دوم، قم، انتشارات سماء قلم.
- ورام بن أبى فراس، مسعود بن عيسى (١٤١٠ق). **مجموعه ورام**، جلد دوم، چاپ اول، قم: مکتبه فقيه.
- Alhabshi, S. Othman (1987), **The Role of Ethics in Economics and Business**, *Islamic Economics*, 1(1).
- Ali, Abbas (2014), **Business Ethics in Islam**, Edward Elgar, ISBN: 978178100 672 6
- Alwi, Zulfahmi ; Parmitasari Rika Dwi Ayu; Syariati , Alim (2021), **An assessment on Islamic banking ethics through some salient points in the prophetic tradition**, *Heliyon*7.
- Arslan, Zeynep (2008), **Islamic Business Ethics And Its Impact On Strategic Business Decision Making Process of Muslims**, BBA, Marmara University.
- Ayub, Muhammad (2007), **Understanding Islamic finance**, John Wiley & Sons Ltd, The Atrium, Southern Gate, Chichester, West Sussex PO19 8SQ, England.
- Beauchamp Tom L., Childress, James F. (2013) **Principles of Biomedical Ethics**, Seventh Edition, Newyork, Oxford University Press.
- Beekun,Rafik I.(1997), **Islamic Business Ethics**, International Institute of Islamic Thought, Herndon, Virginia, U.S.A.
- Beekun, Rafik I., Badawi, Jamal A. (2005), **Balancing Ethical Responsibility among Multiple Organizational Stakeholders: The Islamic Perspective**, *Journal of Business Ethics*, 60: 131–145.
- Budiman, (2020), **Profit Management and Islamic Business Ethics**, *International Journal of Islamic Khazanah*, Vol. 10 No. 2: 95-104.
- Das Gupta, A. (2014), **Business Ethics Texts and Cases from the Indian Perspective**, Jnana Bharathi Campus, Indian Institute of Plantation Management, Bangalore, India.
- Frischhut, M.(2018), **The Ethical Spirit of EU Law**, Management Center Innsbruck, Jean Monnet Chair “European Integration & Ethics”, Innsbruck, Austria.

- Ghahremani, Rasul Amir & Others. (2022), **Global Ethics and Criticism of its Affirmative Approaches**, Journal of Contemporary Islamic Studies, 4(2).
- Jamal Uddin, Syed (2003), **Understanding the Framework of business in Islam in an era of Globalization: a review**, Business Ethics: A European Review, 12(1), 23-32.
- Jie, Li & Others. (2023), **Islamic Business Ethics**, Sharia Oikonomia Law Journal, 1(3) –172-184.
- Jumardi, J & Others (2022), **The Urgency of Implementing Islamic Business Ethics and Islamic Business Management Post-Pandemic on MSMEs, FITRAH**, Jurnal Kajian Ilmu-ilmu Keislaman, 8(2):257-276.
- Kazmi, Azhar (2016), **Business Ethics in Islam**, King Fahd University of Petroleum and Minerals, Dhahran, Saudi Arabia, 1-5.
- Liestyowati, (2024), **Islamic Ethics in Business and Finance: Implication for Corporate Governance and Responsibility**, Accounting Studies and Tax Journal Vol 1 (3) , 195-213.
- Lyons, Bruce and Sugden, Robert (2021), **Transactional fairness and pricing practices in consumer market**, University of East Anglia, Norwich, NR4 7TJ, UK, 28.
- Latifah Abdulmohsen Alabdulqader (2018), **Contractual Justice under English and Shariah Law of Contract: The Case of Consumer Protection**, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy, Brunel Law School, Brunel University London.
- Mansour, Naif; M. Mathkur (2019), **Business Ethics in Islamic Finance**, Archives of Business Research, 7(2), 143–152.
- Musa, Muhammad Abdli.(2025), **Islamic Business Ethics & Finance: An Exploratory Study of Islamic Banks in Malasia**, Center for Islamic Economics and Finance, Qatar Faculty of Islamic Studies, Qatar Foundation.
- Muck, Terry C. (1997), **‘A Global Ethic Update’**, Buddhist-Christian Studies, vol. 17, pp. 215-217
- Naqvi, S. N. H. (2003), **Perspectives on Morality and Human Well-Being: a Contribution to Islamic Economics**, Leicester, The Islamic Foundation.
- Naqvi, S. N. H. (2013), **Islam, Economics, And Society**, V.5, Routledge, London & Newyork.
- Qadri, M. Hussain (2020), **Business ethics in Islam**, Islamic business and finance, Newyork, NY: Routledge.
- Parrott, Justin (1018), **The Golden Rule in Islam: Ethics of Reciprocity in Islamic Traditions**, MLIS Supervised by Prof. Gary Bunt Submitted in

partial fulfilment for the award of the degree of Masters of Research in Islamic Studies University of Wales Trinity Saint David.

- Rizzo, Mario J. (2008), **JusticeVersus Benevolence: A Modern Humean View**, Minnesota Journal of Law, Science & Technology, Volume 9 Issue 2, Article 20.
- Sirageldin, Ismail (1995) **Islam, Society And Economics Policy**, Economic Research Forum.
- Turnbull, Sarah & Others. (2016), **The advertising standardisationdebate revisited Implications of Islamic ethics on standardisation/localisation of advertising in Middle East Islamic States**, Journal of Islamic Marketing, Vol. 7 No. 1. 2-14.
- Zimmermann, Reinhard; Whittaker, Simon (2000), **Good Faith in European Contract Law**. Cambridge University Press.
- Zulni, D. A., & Achiria, S. (2020). **Implementation of Islamic Business Ethics in Digital Wallet: Literature Review Approach**. EkBis: Jurnal Ekonomi dan Bisnis, 3(1), 232-241.

Codes

- MediaKind Code-of-Business-Ethics; Rev B.docx, www.mediakind.com.
- Google's Code of Conduct; <https://about.google/company-info/supplier-code-of-conduct/>
- Microsoft's Standards of Business Conduct; <https://www.microsoft.com>
- The ANZ Code of Conduct; <https://www.anz.com/content/dam/anzcom/>
- CommBank Code of Conduct; <https://www.commbank.com.au/>
- The Westpac Banking Corporation's Code of Conduct; <https://www.westpac.com>
- Hershey's Code of Conduct; <https://www.thehersheycompany.com/>
- Pepsico's Code of Conduct; <https://www.pepsico.com/about/global-code-of-conduct>
- Starbucks' Code of Conduct. <https://content-prod-live.cert.starbucks.com/>
- InterfaithDeclarationCodeEthicsBusines <https://s3.amazonaws.com>
- International chamber of commerce 2013 (ICC).

-Website

- <https://www.channelpronetwork.com>. (Last viwed: 23/5/12)

چکیده مبسوط

Towards a Statement of Minimal Business Ethics in accordance with Islamic Teachings and Imami Jurisprudence

MohammadAli Khorsandian^{1*} / Fatemeh Chitsaz²

1: Associate Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
(Corresponding Author), Email: mkhorsandian@yahoo.com

2: PhD Student in Private Law, Faculty of Law & Political Sciences, International part of University of Shiraz, Shiraz, Iran.

1. Introduction

This research looks for the principles of professional ethics in the field of business based on global minimal ethics and according to the ethical principles in Islam. Discussions related to professional ethics with a jurisprudential approach are given in the part of trade or “almakasib” under the title of trade etiquette. Despite the weakness of professional ethics in the field of business, which causes many problems in human societies, including environmental problems in the contemporary world and human disasters caused by the lack of a coherent ethical system in business, this matter has been less specifically and systematically noticed by law researchers, and its deficiency is clear in domestic and even foreign legal works. On the other hand, the religions of the world are the foundation of most of the world culture and there is no doubt that there are common principles in all religions for human moral behavior. The main goal of the upcoming research is to find the principles of professional ethics in the field of business, especially business transactions, based on global minimal ethics, according to Islamic jurisprudence,

2. Literature Review

As stated, discussions related to the professional ethics of business in ancient and contemporary jurisprudence books are mentioned in the part of trade under the title of trade etiquette. And it has a background in the book of Ethics by Ghazali and Faiz Kashani. But their approach is not to common and minimal ethics. Among the Muslim authors, a number of researchers from the perspective of Sunnis have listed the principles of Islamic business ethics without the approach of universal common ethics, which this research refers to them. Among them are first Naqvi and then researchers such as Bacon and Badawi, Jamaluddin, Habashi, Qadri, Abbas, Ayub, Musa, Kazemi, Masoud, and Zakur, and others such as Turnbull, Lee J. and Budiman. These researchers have enumerated the principles of moral values of Islamic business, in which disputes are raised, on the other hand, this article presents common Islamic moral principles that can be proposed at the global level. In Persian works, Mr. Mohammad Alami's book on ethics of trade is also seen, which mentions moral principles, but in the expression of these values, no attention has been paid to universal minimal ethics. Global ethics, both in the general scope and in important areas such as: biological ethics, technological and cyber ethics, and business ethics, is a necessity and can have important functions. One of the other effective examples of shared ethics is the principles of bioethics developed by Cheshire and Fifut.

3. Methodology

The most important ethical codes seen by the authors are the principles of biomedical ethics. Individual autonomy, beneficence and prevention of harm, and justice were agreed upon and implemented as vital principles in 1980. (A collection of authors, 3/Bta) The valuable work of Beauchamp and Childress in the book Principles of Biomedical Ethics is excellent in the field of introducing these four principles as the principles of medical ethics, and the authors of this article raised their first question with regard to this research, is it possible to obtain a

common business ethics with this method? This research first responds to the criticisms of common ethics and concludes about the method of extracting these principles, then gives a brief look at the design of ethical codes and in the last part reviews the works of other authors and by analyzing the content of Islamic sources and Imami jurisprudence, proposes the common principles of minimum ethics. Therefore, the method of this research is analytical and partly inductive. The patterns mentioned in this research can be generalized in similar cases, therefore, in this context, the part-to-whole method is significant.

4. Results and Discussion

According to Islamic jurisprudence, which first requires that Islamic values are divided into three categories: 1- values related to oneself such as: purity, knowledge, effort, self-confidence, spirituality, courage, 2- values related to God such as: faith, piety, servitude, intention, monotheism, and 3- values In relation to others such as: justice, cooperation, benevolence and kindness, honesty, trust, benevolence, loyalty, equality, peace and non-violence, it has been analyzed that it seems that business values should be searched in the third category. In the field of global business ethics, the only interfaith declaration is the one published in 1994 by the Interfaith Foundation under the title Interfaith Declaration of Global Business Ethics for Christians, Muslims and Jews in London, and it introduces four ethical principles: justice, mutual respect, trust and honesty as the common principles of business ethics. Separate studies can be seen under the title of business ethics studies from the perspective of Islam, Judaism, or Christianity. (Hedges, 2008: 1-16; Gholamzadeh and others, 1403;; Ghahremani & Others, 2022: 177-188 Farmarz Qaramelki, 1382: 79-88)

5. Conclusion

In this research, based on the stated method, among all ethical values, five general principles: justice, honesty, mutual respect, fairness, and beneficence are proposed as the general principles of business ethics in accordance with the global minimum ethics, and other moral values such as goodwill, keeping promises, trust, benefit, and non-harm are placed under these principles. It was explained that it is better not to use religious principles such as monotheism in presenting common values, and instead of using values such as dutifulness and fame, values that help in distinguishing duty should be used.

Keywords: Business ethics, ethical principles, minimal ethics, professional ethics

- Ibn Sina, Hossein bin Abdullah (1394). Alaei's Encyclopedia (Logic Section), by Mohammad Moein and Mohammad Mashkoh, Tehran, Moli.
- Ekhli, Behrooz and Imam, Farhad (2014), Principles of International Trade Contracts, 4th edition, Tehran, Institute of Legal Studies and Research.
- Akhwan Kazemi, Bahram (1381), Justice in the Islamic Political System, first edition, Tehran, Contemporary Knowledge and Thought Cultural Institute.
- Aghajani, Masoumeh; Khairidoost, Zahra (2014), sustainable development along with justice and ethics in Islamic economy, Islamic Economics and Banking, No. 10, 111-146.
- Etrak, Hossein (2012), a new version of consequentialist dutyism, Philosophical Reflections, 9, 8-27.

- (2012), The Meanings of Justice in Islamic Ethics, Philosophy and Theology, No. 1, 1-25.
- (2009), a critical look at Kant's view, Islamic Studies: Philosophy and Theology, No. 85, 9-36.
- Ahmadi, Goddess; Shafi'i, Said (1402). The golden rule of ethics in religions and its origin in Islamic traditions, Religions and Mysticism, No. 1, 165-180.
- Al-Asfour, Hossein bin Muhammad Bahrani (1421 AH), Sadad al-Abad and Rashad al-Abad, in one volume, first edition, Qom, Mahalati bookstore.
- Bina (2012), The Gospel of Jesus Christ, New Millennium Translation, England, Ilam Publications.
- Pourrostaeei, Javad, Aiti, Mohammadreza (2012), evaluation of justice plan as a jurisprudential rule, Ethical Researches, 9 and 10, 5-22.
- Tawakli, Mohammad Javad (2014), Conceptualization of fairness in Islamic business ethics, Marafet Ethaki, 1, 5-28.
- A group of writers (Bita). The principles of medical ethics and the analysis model of clinical ethics cases. Tehran, Iran: University of Tehran.
- Khandani, Seyyed Pedram, Khakbaz, Mohammad (2012), Interpretation of the Theory of Exchange Justice in the Realm of Contracts, Islamic Jurisprudence and Law Studies, 8, 69-84.
- Khorsandian, Mohammad Ali (1401) A comparative study of benevolence, brotherhood and charity and the criteria and responsibilities resulting from it in the private law of Islam, Europe, and America, Comparative Law Research, 3, 109-139.

- Hamamilalezar, Yunus (2008), Honesty in Judaism,
http://www.iranjewish.com/Essay/Essay_36_Sedaghat.htm.
- Daneshpajoh, Mustafa (1386), a reflection on the relationship
(laws and justice) with an emphasis on the approach of Islam,
Islamic Education and Laws, 2, 85-120.
- Deldar, Mohammad Hossein (2016), rereading and criticizing the
opinions of justice and explaining the ideal Islamic model (with
emphasis on the issue of geographic justice in Islamic economics),
Balag Mobin, 52 and 53, 128-97.
- Deilmi, Ahmad (2008), Good intention in civil responsibility, first
edition, Tehran, Mizan publications.
- Razi, Qutbuddin (B.T.A.), Description of the Study of Al-Anwar
in Al-Mantag, first edition, Qom, Najafi Publications.
- Rabiyan, Hamidreza (2014). Examining and comparing accidental
theft in Iranian law with European contractual principles, master's
thesis, University of Tehran.
- Sajjadi, Seyyed Jafar (1373). Farhang Maarif Islamic, vol. 3, third
edition, Tehran, Tehran University Press.
- Sokhnor, Mehdi; Khorsandian, Mohammad Ali (1400). The
ability to claim benefits due to greed in the contract: a study in
American and Iranian law, Legal Studies, 3, 33-64.
- Semankan, Sohrab (2013), judicial administration of contract with
intervention in determining the extent of contractual obligations
based on justice and fairness or individual and collective
expediency, private and criminal law research, 22, 89-104.
- Senjari, Mahnaz et al. (2013), Iranian Nursing Ethics, Medical
Ethics and History, 1, 18-26.

- Shabani, Omid (1389), study of the excuse of contract execution in Iranian jurisprudence and law, Islamic jurisprudence and law, 6, 93-110.
- Shaareyan, Ebrahim and Torabi, Ebrahim (2012), Principles of European contract law and Iranian law, 2nd edition, Tehran, Forozesh Publications.
- Shahid Thani, Zain al-Din bin Ali (1410 AH), al-Rudah al-Bahiyya, 10 volumes, first edition, Qom, Davari bookstore.
- Sheikhi, Davoud and Pazaki, Masoumeh (2019). Analysis of ethical indicators and codes of tourism, ethics in science and technology. 2, 29-36.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1374), Tafsir al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, third edition, Qom, Islamic Publications.
- Tusi, Abu Jaafar, Muhammad bin Hassan (1407 AH). Tahhib al-Ahkam, the seventh volume, the fourth edition, Tehran: Dar al-Kutb Islamiyya.
- Ameli, Hur, Muhammad bin Hasan (1409 AH). Description of Shi'ite tools to study Islamic matters, volume 19, first edition, Qom: Al-Al-Bait Institute.
- Aamili, Seyyed Javad bin Muhammad Hosseini (1419 AH), Miftah al-Karamah fi Sharh Qa'aa al-Alama, 23 volumes, first edition, Qom, Islamic Publications Office.
- Elmi, Mohammad (1378), Ethics in Trade, first edition, Tehran, Iran Trade Development Organization and Business Publishing Company affiliated with Business Studies and Research Institute.
- Ghazali, Abi Hamad Muhammad ibn Muhammad (2005), Revival of Ulum al-Din, Volume IV, Dar Ibn Hazm, Beirut: Dar Ibn Hazm.

- Ghafari, Ali Akbar, Askari, Alireza, Abedian, Hassan (2016), the rule of justice and fairness and its impact on jurisprudence and subject law, Jurisprudence and Philosophical Studies, 32, 81-100.
- Farabi, Abu Nasr (1408 AH). Logic, first edition, Qom, Ayatollah al-Marashi school.
- Faiz Kashani, Mohammad Mohsen (1425 AH), Al-Shafi fi Al-Aqeed and Al-Akhlaq and Al-Akham, two volumes, first edition, Tehran, Al-Loh Al-Mahfouz Publishing House.
-, (1417 AH), Mohjah al-Bayda, third volume, first edition, Qom, Al-Nashar Islamic Publishing House.
- Katouzian, Nasser (2016), Philosophy of Law, first volume, fourth edition, Tehran, publishing company.
- Kolte, Abdul Hamid and Eskandernjad, Tahereh (2016), investigation of trade secret rights in contractual and non-contractual relationships in Iranian law with a comparative view of American law, Research in Arts and Humanities, 5, 123-134.
- Kilini, Abu Jaafar, Muhammad bin Yaqub (1407 AH). Al-Kafi, second and fifth volume, fourth edition, Tehran: Dar al-Kutb Islamiyya.
- Lahiji, Fayaz, (1364). Capital of Faith, first edition, edited by Larijani, Tehran, Al-Zahra.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1410 AH), Bihar al-Anwar, 10th volume, first edition, Beirut, Al-Tabar and Al-Nashar Institute.
- Mohammadi Rohimhari, Muhammad (1404 AH). Mizan al-Hikmah, fifth volume, first edition, Qom: Al-Alam al-Islami school.
- Moin, Mohammad (1380), Farhang Persian, one volume, first edition, Tehran, Saraish Publishing House.

- Matiei, Ansieh, Al-Barzivarki, Massoud (2019), The principle of fairness; Its nature, types and functions, Private Law, 37, 521-541.
- Mousavi Al-Khomeini, Seyyed Mustafa (Bitā). Documentary by Tahrir al-Wasila, first volume, first edition, Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
- Najafi, Mohammad Hassan (1404 AH). Jawaharlal Kalam in the Shari'ah of the Laws of Peace, 22nd volume, 7th edition, Beirut: Dar al-Trath al-Arabi.
- Naraghi, Molly Ahmed bin Muhammad (1415 AH). Al-Shia's document on the rulings of the Shariah, volume 14, first edition, Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon them.
- Vakilzadeh, Rahim, Saghiri, Ismail, Dehghan, Ramadan (2018), Justice and Justice from a Jurisprudential Perspective, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, 5, 98-118.
- Vojdani Fakhr, the power of God (1426 AH). Al-Jawahir al-Fakhriya fi Shahr al-Ruda al-Bahiya, 16 volumes, second edition, Qom, Sama Qalam Publications.
- Varam bin Abi Firas, Masoud bin Isa (1410 AH). Varam collection, second volume, first edition, Qom: Maktaba Faqih.